



فصلنامه اجتماعی فرهنگی

نخبگان ایرانی



سال سوم، شماره یازدهم، تیر ۱۴۰۲

قیمت : ۵۰۰۰۰۰ ریال



فصلنامه فرهنگی اجتماعی نخبگان ایرانی

سال سوم، شماره یازدهم، تیر ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دکتر مریم حق شناس

مدیرمسئول و سردبیر: دکتر مریم حق شناس

هیئت تحریریه: نرگس بیگی، فاطمه بابایی

هیئت داوران: اساتید و محققان حوزه کارآفرینی و شهر

های هوشمند گروه علمی نخبگان ایرانی

امور اجرایی: گروه علمی نخبگان ایرانی

ویراستاران علمی و ادبی: واحد کتاب و متون علمی گروه

علمی نخبگان ایرانی

طراح و صفحه آرا: روابط عمومی گروه علمی نخبگان ایرانی

آدرس دفتر نشریه: تهران - خ آزادی - روبروی مسجد

صاحب الزمان، پلاک ۳۷۲.

آدرس وب سایت:

http://iranianesg.ir/?page_id=13340

نشریه نخبگان ایرانی

از استادید، فارغ التحصیلان، دانشجویان، محققان و

نویسندگان در حوزه‌های مختلف علمی مقاله می‌پذیرد.

نشریه در اصلاح و ویرایش مطالب آزاد است.

گروه علمی نخبگان ایرانی به مطالعه و پژوهش در حوزه مطالعات علم می‌پردازد و از آن در قالب نگارش و ترجمه مقالات، ارائه کتب و متون علمی، برگزاری سمینار، کارگاه، دوره‌های آموزشی، انتشار مقالات و همکاری با سایر مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و انجام طرح‌های تحقیقاتی در این عرصه حمایت و استقبال می‌کند. این گروه، در سال ۱۳۸۹ فعالیت خود را همراه با جمعی از پژوهشگران علاقمند به فعالیت علمی-تخصصی در حوزه‌های مختلف و فارغ‌التحصیلان از دانشگاه‌های معتبر آغاز نموده و تا به اکنون به فعالیت مستمر خود ادامه داده است.

فهرست :

- پیام مدیر مسئول ۳
- سرمقاله ۴
- کارآفرینی شهری و کسب و کارهای پایدار در شهرهای هوشمند: بررسی نقش تکنولوژی‌های دیجیتال ۵
- معرفی کتاب " کتاب " رضایت مندی در کسب و کار: یک راه برای سود، اشتیاق و هدف " ۱۹
- ارتباط بین کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار از دیدگاه رشد اقتصادی ۲۰

پیام مدیر :

خداوند متعال را شاکریم که با استعانت از درگاه بی کرانش و همت اعضای پرتلاش در گروه علمی نخبگان ایرانی، نشریه علمی - تخصصی "نخبگان ایرانی" در مهرماه سال ۱۳۹۹ تدوین و شروع به کار کرد. اینک توفیق حاصل شد تا با یاری جمعی از همکاران گروه، یازدهمین شماره از این نشریه را ثمر بخشیده و به تمامی سازمان‌ها، موسسات، دانشگاه‌ها، مراکز علمی و اجرایی تأثیرگذار و مرتبط با حوزه کارآفرینی در سراسر کشور تقدیم نماییم.

گروه علمی نخبگان ایرانی در یازدهم سال از آغاز فعالیت خود در نظر دارد تا نقشی بی بدیل در جهت دهی مثبت به تحولات علمی محققان با تکیه بر اطلاعات دقیق و همه جانبه، از نیازها و انتظارات مخاطبان خویش ایفا نموده و بستر ساز توسعه همه جانبه علم و هموارکننده راه رشد و بسط خلاقیت و اندیشه‌های نو در جامعه متخصصان باشد. آن چه باعث شد انتشار نشریه به صورت هدفمند با همکاری اعضای متخصص و پرتلاش گروه علمی در سطح کشور در اولویت قرار گیرد و فرصتی ناب تعبیر شود، این است که اصحاب فکر و قلم و متخصصان، با هدف کمک به بهبود ارتباطات و استفاده از دانش علمی و انتقال تجارب و تبادل دستاوردهای دیگران، محلی برای بیان نظرات و اندیشه‌های خود داشته باشند، محققان در آن به تعامل و تفاهم در خور برسند، محلی برای نقد و بررسی آرا و عقیده‌ها و تجربیات موفق اجرایی در جهت ارتقای کیفی برنامه‌ها و دستاوردهای علمی در حوزه‌های مختلف باشد و مهمتر از همه آن‌ها جلب مشارکت گسترده پژوهشگران در سراسر کشور در ارائه نتایج تحقیقات و بررسی‌ها درباره موضوع‌های علمی محسوس باشد. امید است تا نشریه نخبگان ایرانی بتواند گام موثری در زمینه مسئولیتی که بر عهده گرفته است، بردارد و با افزایش روزآمدی علم و دانش، بستری را برای ارتقاء سطح کمی و کیفی فراهم نموده و رضایت خاطر مخاطبین را جلب نماید.

دکتر مریم حق شناس

مدیر مسئول نشریه

و مدیر گروه علمی نخبگان ایرانی

سرمقاله :

امروزه در اغلب سازمان های کارآفرین، تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن از ابزار پیشرفت آن سازمان محسوب می شود. لذا بستر سازی برای کارآفرینی در بخش های مختلف آن می تواند در نظام عملکرد کارکنان موثر باشد. در مقیاس بزرگتر یعنی در واقع شهرها که سازمان های را نیز در برمی گیرد، کارآفرینی یکی از کلیدهای اساسی توسعه اقتصادی و درآمدزایی محسوب می شود؛ شهرها به عنوان مراکز دانش و تولیدات منحصر به فرد، محل تسهیل تفکر خلاقانه و نوآورانه و آفرینش گر فرصت های ارزنده برای اشتغال و کارآفرینی در سازمان ها هستند؛ بنابراین در محیط های کاری نیز باید شرایطی خاص برای کارآفرینی و شکوفایی اقتصادی فراهم شود. زیرا یک شهر کارآفرین، استراتژی های خلاقیت و نوآوری را حفظ و افزایش می دهد.

از سوی دیگر، توسعه بسترهای کارآفرینی با هدف شفاف سازی و کاهش پیچیدگی های زندگی شهری و کمک به شهروندان در جهت بهره برداری هرچه بیشتر از پتانسیل های شهری از جمله فضاهای شهری، سرمایه های انسانی، منابع مالی و امکانات فیزیکی محیط زندگی به شمار می روند و باعث رشد رسانه ها و به خصوص گسترش شبکه های اجتماعی، افزایش مهارت شهروندان، ایجاد فرهنگ کارگروهي و استفاده بهینه از منابع می شود.

طبیعتا مدیریت شهری به عنوان نهادی که مستقیم با شهروندان و وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن ها سروکار دارد از این مزایا بهره مند می شود. در شهرهای توسعه یافته دنیا سیاست های توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته است و این شهرها در روند جهانی شدن برنامه های ویژه برای ایجاد بسترهای کارآفرینی فراهم کرده اند. شهرداری ها تنها نهادی هستند که پتانسیل کافی را برای حمایت مؤثر و فرهنگ سازی در زمینه کارآفرینی شهری را در اختیار دارند. بنابراین حمایت شهرداری ها از بسترهای کارآفرینی، می تواند به کاهش پیچیدگی ها و سختی های فعالیت های کارآفرینانه کمک کند. این بسترها شرایط لازم برای پرورش یک ایده خلاقانه تا مرحله بلوغ اجرایی را ایجاد می کند.

در عصر حاضر و با ظهور فناوری های نوین از جمله هوش مصنوعی و کلان داده و کاربرد آن ها در حوزه های صنعتی و راهبردی در جامعه، می توان نتیجه گرفت که شهرهایی که به نحو بهتری بتوانند از این نوآوری ها و خلاقیت و کارآفرینی استفاده کنند، با افزایش تعداد کسب و کارها و در نتیجه درآمد حاصل از شرکت های دانش بنیان، موفق تر خواهند بود.

مریم حق شناس

پژوهشگر حوزه رسانه و کارآفرینی

کارآفرینی شهری و کسب‌وکارهای پایدار در شهرهای هوشمند: بررسی نقش تکنولوژی‌های دیجیتال

مولفین: دانا لئوپاول، آیدین سلام‌زاده، مرتضی هادی‌زاده، غزاله حیدری، شمس‌الدین سروش

مترجم: محمد بیگی (کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی)

چکیده

ورود تکنولوژی‌های پایدار و دیجیتال به کارآفرینی شهری یک رویکردی تازه به شمار می‌رود که فضای مناسبی را برای نوآوری در کسب‌وکارها فراهم می‌کند. در نتیجه، کسب‌وکارها از مدل‌ها و روش‌های کارآفرینی تازه در موضوع شهرهای هوشمند در راستای افزایش توانمندی و پایداری‌تر شدن استفاده می‌کنند تا به توسعه و پیشرفت خود دست یابند. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیرات کارآفرینی شهری بر کسب‌وکارهای پایدار با در نظر گرفتن نقش تکنولوژی‌های دیجیتال در شهرهای هوشمند است. جامعه آماری این تحقیق تمامی شرکت‌های دانش‌بنیان فعال شهر تهران در سال ۲۰۲۲ می‌باشد. سپس بر اساس فرمول کوچران ۳۱۵ شرکت به عنوان نمونه به شکل تصادفی انتخاب شد. مقاله حاضر کاربردی و توصیفی بوده و در زمینه نوع داده‌های جمع‌آوری شده، کمی است. داده‌ها توسط نرم‌افزار Smart PLS، structural equation modelling (SEM) و روش‌های حداقل مربعات جزئی مورد آنالیز قرار گرفته شده است. به عنوان نتیجه، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که کارآفرینی شهری شرکت‌های مطالعاتی را از بعد کمی و کیفی با استفاده از مزایای تکنولوژی‌های دیجیتال با در نظر گرفتن نیازهای جدید شهرها و دستیابی به کسب‌وکارهای پایدار در شهرهای هوشمند، خلق و توسعه می‌دهد.

معرفی

با عنایت به تعریف هدف‌های توسعه پایدار (SDGs) تا سال ۲۰۳۰ میلادی سازمان ملل، توجه ویژه‌ای به مطالعات مربوط به توسعه پایدار از ارتباطات علمی و سیاسی گرفته تا فرایندهای انتخابگر شد که اثباتی در راستای نیاز شرکت‌ها به بازتعریف نیازهای شهری جدید است (Mu et al., ۲۰۲۲) (Wolifson & Drozdowski, ۲۰۱۷). بر همین اساس و با در نظر گرفتن اهمیت موضوع کارآفرینی، این امکان برای افراد با پتانسیل به وجود می‌آید تا ایده‌های خود را به مرحله اجرا در آورده و از کارآفرینی برای شناسایی فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و ظرفیت‌های خلق ارزش زیست-محیطی استفاده نمایند (Belz & Binder, ۲۰۱۴).

در این شرایط، کارآفرینی نقشی اساسی را در ضرورت شرکت‌های پایدار در شهرها ایفا نموده و ارتباط پیوسته‌ای با مدل‌های نوین ایجاد کسب‌وکارهای هوشمند دارد (Audretsch & Fritsch, ۲۰۰۲). شهر یک مفهوم پویا است و شهرهای امروزی به سرعت در حال توسعه در ابعاد مختلف هستند. مفاهیم شهری سازی و دیجیتالی کردن سرلوحه کاری این گذارهای شهری می‌باشد (Paskaleva et al., ۲۰۱۷). شهرها در سراسر دنیا به دنبال اهداف هوشمندتر شدن به عنوان قسمتی از استراتژی خود و برنامه‌های نوآوری شهری مبتنی بر پرداختن به مشکلات و تهدیدات شهری موجود هستند (Chong et al., ۲۰۱۸). از سوی دیگر، محققان در مورد راه‌اندازی، قدرت و فعال بودن خلاقیت در شهرهای هوشمند بحث کرده‌اند و راهکارهایی جهت مشکلات شهری و نیازهای رشدی شهروندان ارائه نموده‌اند (Bakici et al., ۲۰۱۳).

شهرهای هوشمند حول مرکزیت کارآفرینی و خلاقیت می‌چرخد (Guzman & Stern, ۲۰۲۰). همچنین، درک ابعاد اجتماعی-اقتصادی و صنعتی اکوسیستم‌های کارآفرینی مسیر را برای پیاده‌سازی شهرهای هوشمند هموار می‌کند (Audretsch et al., ۲۰۱۵). شهرهای هوشمند میلیون‌ها تراکنش و اطلاعات حجیمی را خلق می‌کنند. این داده‌های به وجود آمده ارزش افزوده‌ای را برای دولت‌ها و شرکت‌ها ایجاد می‌کند و آن‌ها را برای استفاده از روش‌های مبتنی بر داده در راستای بهبود کیفیت و بهره‌وری خود در شهرهای هوشمند و افزایش تعامل‌ها و توسعه پایدار تشویق می‌کند (Ji et al., ۲۰۲۱).

شهروندان به عنوان کارآفرینان فردی، نقش اساسی را در توسعه شهرهای هوشمند توسط کشف تکنولوژی‌های نوین ایفا می‌کنند. بنابراین، شهرهای نوین فضایی مناسب برای شرکت‌های پایدار به وجود می‌آورند که مبتنی بر تکنولوژی-های دیجیتال می‌باشد (Barba-Sanchez et al., ۲۰۱۹). از سوی دیگر، شهرهای هوشمند که بر مبنای شبکه‌ای از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تشکیل شده‌اند، به توسعه اجتماعی، فرهنگی و مدنی شهر کمک کرده و فرصت‌های بازار نوینی را برای کارآفرینان ایجاد می‌نمایند (Kummitha R. K., ۲۰۱۹). یک شهر هوشمند اکوسیستمی شهری نوآورانه بوده که در آن علم به آسانی با تعامل و همکاری میان ذینفعان مختلف در راستای خلق ثروت و توسط یک ساختار سازمانی منعطف و مدل حاکمیت مشارکتی یکپارچه پشتیبانی می‌شود (Camboim et al., ۲۰۱۹).

لازم به ذکر است که شهر تهران پایتخت، بزرگترین شهر و مرکز توسعه اقتصادی و فناوری ایران می‌باشد. ایران کشوری در خاورمیانه است. اقتصاد آن، دومین اقتصاد بزرگ در منطقه است. هفت دلیل وجود دارد که نشان دهنده چگونگی تبدیل شدن ایران به مکانی برای کارآفرینی در منطقه است:

۱. ابعاد اقتصاد و لغو تحریم‌های جهانی،
۲. مردمی با تحصیلات عالی،
۳. پیشرفت‌های عالی از بعد تکنولوژی،
۴. ارتباط نزدیک میان انجمن‌های کارآفرینی در ایران و دیگر کشورها،
۵. زیر ساخت‌های مدرن کشور،
۶. سرعت بالای تغییرات در منطقه‌های شهری کشور،
۷. اکوسیستم توسعه یافته استارت آپ، به ویژه در مناطق شهری (Rezaei, Dana, & Ramadani, ۲۰۱۷; Salamzadeh & Dana, ۲۰۲۱; Dana, Tajpour, Salamzadeh, Hosseini, & Zolfaghari, ۲۰۲۱).

با عنایت به ادبیات موجود، معرفی تکنولوژی‌های پایدار و دیجیتال در کارآفرینی شهری، الگوهای کسب‌وکار تازه‌ای را شکل می‌دهند. این نوآوری‌ها موجب تضمین پایداری شرکت‌ها در شهرهای هوشمند می‌شوند. بر همین مبنا، مطالعه الگوهای توسعه شرکت کارآفرینی و توسعه پایدار شهری مبتنی بر تکنولوژی‌های دیجیتال در شهرهای هوشمند الزامی است. پژوهش حاضر، به شرح ذیل سازماندهی گردیده است. بعد از بررسی و شناخت الگوهای کارآفرینی و کسب‌وکار پایدار، معادلات ساختاری در به وجود آوردن ثبات میان کارگزاران تدوین گردیده است. اهمیت تکنولوژی‌های پایدار و دیجیتال در این حوزه تحت بررسی قرار گرفته و گروهی از پیشنهادات اجرایی ارائه شده است. لذا تحقیق حاضر با بررسی نقش تکنولوژی‌های پایدار، به منظور دستیابی به پایداری در کسب‌وکارهای تکنولوژی شهر تهران انجام شده است.

بررسی ادبیات

کارآفرینی شهری

شهرها نقش محوری در توسعه پایدار استراتژیک منطقه‌ها و کشورها دارند. این موضوع به روشنی در هدف‌های توسعه پایدار (SDGs) دستورکار سال ۲۰۳۰ ملل متحد جهت توسعه پایدار آمده که مثلاً بر روی نیاز به پایداری و منعطف‌تر نمودن شهرها تأکید دارد. به عنوان یک مفهوم تاثیرگذار و کارآفرینانه، توسعه پایدار به عنوان کانال اصلی محصول‌ها و فرایندهای پایدار شناخته می‌شود (Hall et al., ۲۰۱۰). افزون بر این، «کارآفرینی شهری»، «شهر کارآفرین» و «دولت کارآفرین» در دهه ۱۹۸۰ میلادی به وسیله دیوید هاروی برجسته شد (یک، ۲۰۱۴).

با عنایت به ازدحام زیاد مردم در منطقه‌های شهری، مدرمی که در چنین منطقه‌هایی کارآفرینی می‌نمایند را می‌توان «کارآفرینان شهری» اسم‌گذاری کرد (ضیاء و همکاران، ۲۰۲۱). از این روی، کارآفرینی دربرگیرنده فعالیت‌های مردم در ارتباط با به وجود آوردن سازمان‌های جدید می‌باشد (Gferguri Rashiti, ۲۰۱۷). کارآفرینی شهری فضای مناسبی را جهت رفع بیکاری و مشکلات آن برای شهرها به وجود می‌آورد. در نتیجه، مباحث اخیر جغرافیای اقتصادی، به صورت

افزایشی بر روی خلاقیت شهری و اهمیت نوآوری در دستیابی به رشد اقتصادی متمرکز گردیده است (یو و همکاران، ۲۰۲۰).

اداره شهر هوشمند اولاً با شکل کارآفرینی شهری در ارتباط می‌باشد (گروسی و بیانزی، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، اداره موفق شهر هوشمند رابطه نزدیکی با درک و بهره‌گیری مردم از تکنولوژی در سرتاسر شهر دارد؛ به این معنا که بهره‌برداری از تکنولوژی در راستای تقویت اداره شهری در حوزه شهرهای هوشمند تنها با مطالعه تعامل بین نوآوری‌های تکنولوژی شهری و فرایندهای اداره نمودن در بافت‌های شهری ویژه قابل افزایش می‌باشد (Meijer، ۲۰۱۶). به بیانی دیگر، می‌توان از رویکردها و نوآوری‌های اجتماعی تازه جهت بهبود قسمت عمومی در کشورهای در حال توسعه استفاده نمود (رمادانی، انگگادویتا، ولز، و پرم، ۲۰۲۰). در نتیجه، کارآفرینی و نوآوری را می‌توان به عنوان مترادف در نظر گرفت (Gøerguri Rashiti، ۲۰۱۷).

در حال حاضر، مبدل کردن فرایندهای اداره شهری با کمک تکنولوژی‌های دیجیتال و تبدیل شهرها به جغرافیای دیجیتال بهینه گردیده و به انباشت سرمایه جهت تحول شهری کمک می‌نماید. تغییر به سوی شهرهای هوشمند، با تاکید بر روی راهکارها، سرویس‌ها و زیرساخت‌های مبتنی بر تکنولوژی دیجیتال، ایدئولوژی مسلطی را تقویت نموده که تصمیم‌گیری، چارچوب‌ها و نتیجه‌های شهری تازه‌ای را شکل می‌دهد (ضیاء و همکاران، ۲۰۲۱). تدوین دستورکار شهر هوشمند به وسیله اداره‌های شهری، در جایگاه خود به عنوان نوعی شهر مبتنی بر تکنولوژی به شمار می‌آید.

اکوسیستم کارآفرینی یک فضای اجتماعی و اقتصادی بوده که کارآفرینی محلی یا منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مفهوم آن را به راه‌های گوناگون با کمک از سازوکارهای گوناگون حاکمیتی گسترش می‌دهد (Roundy et al., ۲۰۱۷). مدیریت این نظام‌ها از بهره‌گیری گسترده‌تر و کارآمدتر از تکنولوژی دیجیتال و ابزارهای تکنولوژیکال سود می‌برد. افزون بر این، به تقویت جهت‌گیری کارآفرینی یک اکوسیستم و پیدا کردن مدل‌های نوآورانه کسب و کار کمک می‌کند. اقتصادهای محلی موفق به طور پیوسته در حال تحول و تغییر پایه علم و مرزهای تکنولوژی خود می‌باشند تا رقابت خویش را در طول زمان حفظ نمایند (Buciumi & Pisano، ۲۰۱۸).

در همین جهت، دو بعد مفید در ایدئولوژی اداره شهری تکنولوژی جهت دگرگونی فرایندهای شهری وجود دارد:

الف) اولویت جذب صنعت‌ها با تکنولوژی پیشرفته به عنوان عملگرهای اقتصاد شهری

ب) گرایش به تبدیل مشکلات شهری به مشکلات تکنولوژیکی.

هر دو مورد راهکارهای تکنولوژیکی به حساب می‌آیند. این مکانیزم‌ها با یکدیگر در ارتباط با نیازها، ظرفیت‌ها و اولویت‌های تکنولوژی در اداره شهری عمل کرده و تا میزان زیادی به مردم و مشکلات فراتر از زمینه تکنولوژی کمک می‌کنند.

این گستره تغییرات گذار پیوسته شهرها (و به صورت کلی مکان‌ها) را به فضاهای دیجیتالی جهت انباشت سرمایه در چارچوب سرمایه‌داری دیجیتال و نظارتی بدل می‌کند. بر همین مبنا، طرح‌های داده جهت دسترسی بیشتر کارآفرینان و کسب‌وکارها به اطلاعات مرتبط با منطقه مدیریت محلی، تصمیم‌های هزینه، سرویس دولتی، حمل‌ونقل، جرم و جنایت و دیگر داده‌های ویژه مکان که به وسیله مقامات شهری نگهداری می‌شوند، بازطراحی گردیده‌اند (بارنز، ۲۰۱۶).

تکنولوژی‌های دیجیتال

امروزه در کشورهای در حال توسعه، بنگاه‌ها به عنوان ستون فقرات اقتصاد شناخته می‌شوند، زیرا نقش بسزایی در اشتغال، رشد اقتصادی و بسیج نوآوری و خلاقیت دارند. با این وجود، اکثر این شرکت‌ها قابلیت دوام کمی دارند، به‌ویژه در مراحل اولیه چرخه زندگی‌شان (Siddiquie, 2018) و با جهانی به سرعت در حال تغییر روبرو هستند. استفاده روزافزون از فناوری‌های دیجیتال و اتکا به آن‌ها، تغییرات چشمگیری را در تجارت و جامعه به وجود آورده است.

قابل ذکر است که مفهوم تحول دیجیتال در سال 2000 مطرح شد. در سالیان اخیر تمرکز قابل توجهی بر روی سیستم‌های اطلاعاتی سازمانی صورت گرفته است. این توجه ویژه از نیاز به ادغام بهتر فناوری‌های جدید (هم‌سخت افزار و هم نرم افزار) با فرآیندهای تجاری ناشی می‌شود. فرآیندهای تجاری بیش از هر چیز دیگری به فناوری وابسته هستند زیرا تکنولوژی مستقیماً بر فرآیندهای تجاری تأثیر می‌گذارد و روش انجام آن‌ها را تغییر می‌دهد، بنابراین بر نحوه طراحی سیستم‌های نرم افزاری توسط تحلیلگران تأثیر می‌گذارد (Martinez et al., 2017).

فناوری اطلاعات به عنوان یک عامل حیاتی در رقابت برای اجرای یک برنامه استراتژیک و حمایت از شایستگی‌های اصلی شناخته می‌شود (Oh & Pinsonneault, 2007). بنابراین، مدیران به طور قابل توجهی سرمایه‌گذاری خود را در فناوری اطلاعات در طول زمان افزایش داده‌اند (دواراج و کوهلی، 2003) زیرا فناوری‌های دیجیتال با ایجاد ارزش و جذب و استفاده از منابع، و اصلاح اصول چرخه اقتصادی در صنعت، نوآوری مدل کسب و کار را تسریع می‌کنند (راتنا و همکاران، 2021).

در شرکت‌های صنعتی، فناوری‌های دیجیتال بخشی از چهارمین انقلاب صنعتی به نام Industry 4.0 یا Industrial Internet در نظر گرفته می‌شوند (Lieder & Rashid, 2016). این اصطلاحات به دگرگونی صنعتی اشاره دارد که در آن جمع‌آوری و ذخیره‌سازی داده‌ها محصولات را به سیستم‌های ارزش‌آفرین تبدیل می‌کند (راجالا و همکاران، 2018) که شبکه‌های متصل از افراد، محصولات و سیستم‌ها هستند (کانگ و همکاران، 2016).

استفاده از فناوری‌های جدید می‌تواند بقای کسب‌وکارها را تضمین کند. با ظهور فناوری‌های نوین در تولید و ارتباطات، تغییراتی در روش‌های تولید، توزیع و ساختار سازمانی بنگاه‌ها ایجاد شده است. و فناوری‌های دیجیتال جدید در زمینه نوآوری کسب و کار در بازارهای در حال ظهور، (2022). به عنوان مثال، توسعه فناوری‌های دیجیتال منجر به افزایش نظرات مشتریان آنلاین OCRs شده است، که به معنای ارزیابی لحظه‌ای مشتری از محصولات، خدمات و برندها است. پلتفرم‌های تجارت الکترونیکی به طور فزاینده‌ای از این OCRها برای به دست آوردن بینشی در مورد بازخورد مشتری استفاده می‌کنند، که هم بقا و هم توسعه کسب و کار را تضمین می‌کند (Mariani & Wamba, 2020).

گسترش و استقرار فناوری‌ها، فرآیندها و مدل‌های مبتنی بر نوآوری به طور فزاینده‌ای به عنوان ستون فقرات شرکت‌های کارآفرین نوآور عمل می‌کنند (اعتماد، ویلکینسون و دانا، 2010). فن‌آوری‌های دیجیتال شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا جریان منابع، ایجاد ارزش و جذب سرمایه را در محیط‌های واقعی بهبود بخشند، بنابراین نوآوری در مدل کسب‌وکار را ممکن می‌سازد. پیشرفت‌های فناوری دیجیتال به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا فرآیندهای خود را از طریق مدیریت موجودی کارآمد و پردازش مواد بهینه و بهبود بخشند (دانا، سلام زاده، مرتضوی، هادی‌زاده و ذوالفقاری،

(۲۰۲۱). علاوه بر این، فناوری‌های دیجیتال شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا در شیوه‌های ارتباط تامین‌کنندگان و مشتریان نوآوری کنند.

به عنوان مثال، این کار می‌تواند با افزایش دانش مشتری و ردیابی مواد انجام شود (رانتا و همکاران، ۲۰۲۱). برخی از محققان فناوری‌های دیجیتال را بر اساس عملکرد به جمع‌آوری داده‌ها، یکپارچه‌سازی داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها دسته‌بندی می‌کنند. فناوری‌های جمع‌آوری داده شامل حسگرها (به عنوان مثال، شناسایی فرکانس رادیویی، RFID و دستگاه‌هایی است که محصولات و کاربران را به اینترنت متصل می‌کنند) مانند اینترنت اشیا (IoT).

فن‌آوری‌های یکپارچه‌سازی داده‌ها را ذخیره و قالب‌بندی می‌کنند و امکان استفاده از فن‌آوری‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها را فراهم می‌کنند که اطلاعات را تولید و توسعه می‌دهند (Pagoropoulos et al., ۲۰۱۷).

کسب‌وکارهای پایدار در شهرهای هوشمند امروزه نیاز روزافزونی به توسعه روش‌های جدید برای نگرستن به شهر آینده و اندیشیدن به رویکردهای ساختاریافته برای پاسخ‌گویی به سؤالات متنوع و پیچیده‌ای که شهرها با آن مواجه هستند وجود دارد (Meijer et al., ۲۰۱۶).

مفهوم شهر هوشمند از همگرایی دو مفهوم فناوری و شهر ایجاد شده است. این مفهوم به طور موثر به چالش‌های پیش روی شهرنشینی در عصر حاضر می‌پردازد و راه‌حلی موثر برای دستیابی به آینده شهری پایدار است (Yigitcanlar et al., ۲۰۱۸). شهرهای هوشمند سیستم‌های چند بعدی هستند که از زیرساخت‌ها و خدمات مختلفی تشکیل شده‌اند. در واقع شهر هوشمند چیزی بیش از شبکه‌ای از اشیاء متصل به اینترنت است. می‌تواند فناوری، دولت و جامعه را به هم نزدیک کند (برونئو و همکاران، ۲۰۱۹).

به طور کلی، شهر هوشمند شامل ترکیب سه عنصر افراد هوشمند، فناوری هوشمند و همکاری هوشمند است. از این نظر، سطح «هوش» یک شهر تا حدی است که بتواند سرمایه انسانی را از طریق استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات جذب و بسیج کند (Meijer & Bolívar Rodríguez, ۲۰۱۶). به عبارت دیگر، شهرهای هوشمند عمدتاً بر اساس سرمایه انسانی، اجتماعی و اطلاعاتی خود شکل می‌گیرند و از فناوری اطلاعات و منابع کلان داده استفاده می‌کنند که همگی در افزایش کارایی و توسعه اقتصادی شهری بسیار مؤثر هستند (De Guimarães et al., ۲۰۲۰).

فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرآیندهای اقتصادی به سمت تقویت اقتصاد از طریق بهبود فناوری و نوآوری حرکت می‌کند (Gøerguri Rashiti, ۲۰۱۷). پایداری اقتصاد را از طریق توسعه فناوری‌ها و نوآوری‌های جدید افزایش می‌دهد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نقش فناوری‌های مختلف در توسعه شهرهای هوشمند برای ایجاد یک محیط جامع که شفاف، خودکار، فراگیر، مقیاس‌پذیر، امن، انعطاف‌پذیر و به راحتی قابل مدیریت باشد، حیاتی است (احد و همکاران، ۲۰۲۰).

مفهوم «شهر هوشمند» افق‌های جدیدی را برای شهرها ایجاد می‌کند تا خدمات چالش‌برانگیز خود را در یک محیط آگاهانه و رقابتی ارائه دهند. بنابراین، آنها خلاقیت، نوآوری و راه‌حل‌های هوشمند و پایدار را که از طریق پلتفرم‌های خدماتی ترویج می‌شوند، ترویج می‌کنند (Anttiroiko و همکاران، ۲۰۱۳). در واقع، در شهرهای هوشمند، رشد

اقتصادی فزاینده و توسعه اجتماعی از طریق نوآوری فناورانه دنبال می‌شود و با تغییر مداوم تکنولوژی و جامعه، شهرهای هوشمند ایده‌هایی را برای ساخت و ساز شهری و مسیرهای توسعه آینده ارائه می‌کنند (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

در تعامل با شهر هوشمند، کسب‌وکارها باید نحوه ایجاد، ارائه و جذب ارزش‌ها را در دیدگاه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی تغییر دهند (شاکیل و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین، مشارکت در فرآیندهای توسعه پایدار می‌تواند عملکرد کسب و کار را بهبود بخشد و مفاهیم ارزش مشترک را ایجاد کند (موریکا و همکاران، ۲۰۲۲). به منظور حرکت به سمت یک مدل کسب و کار پایدار، فعالیت‌های نوآورانه برای ایجاد ارزش‌های پایدار ضروری است (گونی و همکاران، ۲۰۲۱).

نوآوری مدل کسب و کار پایدار می‌تواند یک مدل کسب و کار جدید ایجاد کند، یک مدل کسب و کار قدیمی را به روز کند، یا چندین مدل کسب و کار را پیکربندی و ادغام کند. در نتیجه، نوآوری پیشنهاد ارزش متفاوتی را به مصرف‌کنندگان ارائه می‌کند و چارچوب ارزش جدیدی را تشکیل می‌دهد که از توسعه پایدار سازمان حمایت می‌کند (He & Ortiz، ۲۰۲۱). بنابراین، همه اعضای ساختار شهر هوشمند توسعه دهندگان بالقوه خدمات و محرک‌های نوآوری هستند (دباز-دباز و همکاران، ۲۰۱۷). در نتیجه، شهرهای هوشمند مراکز فناوری، مراکز سرمایه انسانی و ترکیبی ارگانیک از این دو هستند (پایا و همکاران، ۲۰۱۳).

با ظهور شهرهای هوشمند، فناوری‌های هوشمند از جمله داده‌های بزرگ و اینترنت اشیا که محیط کسب‌وکار را در بافت شهرهای هوشمند بهینه می‌کنند مورد تاکید قرار گرفت. در نتیجه، محیط کسب و کار تجسم مهمی از قدرت نرم اقتصادی یک کشور یا منطقه و رقابت بین‌المللی است. ایجاد یک محیط تجاری خوب برای ایجاد یک سیستم اقتصادی مدرن و ارتقای توسعه با کیفیت ضروری است (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

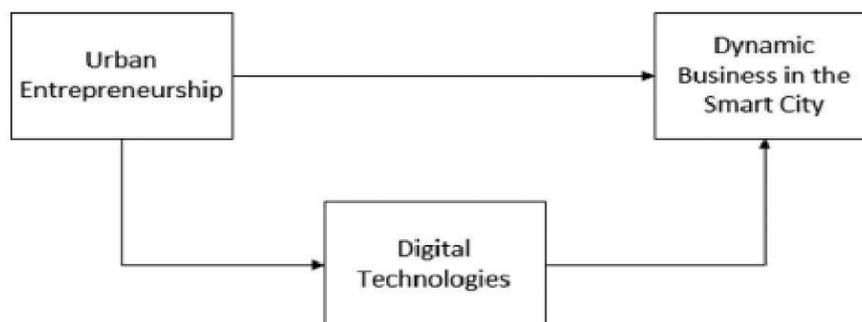
به عبارت دیگر، رویکرد هوشمندسازی در توسعه پایدار شهری به شدت با نوآوری، فناوری و کارآفرینی اقتصادی مرتبط است. در نتیجه، استراتژی‌های شهر هوشمند به طور قابل توجهی با رویکرد کارآفرینی به سمت توسعه شهری هدایت می‌شوند (هارستاد، ۲۰۱۶). ادغام استراتژی‌های اقتصادی و کارآفرینی و مدل‌های کسب‌وکار با خدمات، فرآیندها و پلتفرم‌های فناوری اطلاعات می‌تواند نوآوری در فناوری‌های دیجیتال معاصر را تسهیل کند (Turetken et al., ۲۰۱۹). شرکت‌ها همچنین در پلتفرم‌های هوشمند با استفاده از فناوری‌های نوآورانه سرمایه‌گذاری می‌کنند (رمضانی، امیر و سایتی دمیری، ۲۰۱۴). با افزایش پیشرفت‌های تکنولوژیکی و پذیرش جامعه، مدل‌های کسب و کار جدید به سرعت از پیشرفت‌های تکنولوژی تغذیه می‌شوند.

دیجیتالی شدن کسب و کارها در زمینه شهرهای هوشمند به عنوان ابزاری برای نوآوری در اکوسیستم‌های کارآفرینی می‌تواند تأثیر مثبت بالقوه‌ای داشته باشد (والتر و همکاران، ۲۰۲۰). این مدل‌های کسب و کار جدید در واقع یک روش تصمیم‌گیری و ابزار برنامه‌ریزی اقتصادی هستند که می‌توانند به مدیریت شهری در فرآیندهای پیچیده تصمیم‌گیری در شهرهای هوشمند کمک کنند. بدین ترتیب، مدیریت شهری خدمات خود را به گونه‌ای سازماندهی می‌کند که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه، از نظر اجتماعی فراگیر و از نظر زیست‌محیطی پایدار باشد (Timeus et al., ۲۰۲۰) جدول ۱.

مرجع	تحقیق موضوع	ها یافته
holzmann 2020	دیجیتال پایدار کار آفرینی: و کسب مدل دیدگاه خلق وای دیجیتال های فناوری تعبیه در کار محیطی زیست و اجتماعی ارزش	راپادار کار و کسب مدل یک اجزای از جدیدی های پیگری دیجیتال های آوری فن کندی پذیر امکان. توسعه وای دیجیتال های فناوری از تواند می شهری کار آفرینی کذاستفاده راپادار های ارزش.
Elia, Margherita, & Passiante, 2020	دیجیتال کار آفرینی اکوسیستم: فناوری چگونه را کار آفرینی فرآیند جمعی هوش و دیجیتال های دهند می تغییر	گذاری سرمایه ایجاد و تصور نحوه بر توجهی قابل طور به دیجیتال های آوری فن گذارد می تأثیر جدید تجاری های. و همکاری پتانسیل از ظهور حال در فناوری پارادایم می استفاده راپادار و تو قوی کار آفرینی ابتکارات انداز راه و طراحی برای جمعی هوش کند. است آمده پذیرد دیجیتال کار آفرینی از جدیدی پارادایم بنوا این.
Bican & Brem, 2020	دیجیتال، تحول دیجیتال، کار و کسب مدل دیجیتال کار آفرینی: آیا «دیجیتال» راپادار دارد؟ وجود	کندی ایفا ملل سازمان راپادار توسعه اهداف به کمک در مهمی نقش شدن دیجیتال. های مدل بنوا این گود، می بر دررا دیجیتال زمینه در روابط همه دیجیتال تحول کندی فرآهر راپاداری دیجیتال تحول فرآیند در دیجیتال کار و کسب.
Satalkina & Steiner, 2020	های سیستم در آن نقش و دیجیتال کار آفرینی نوآوری: عنوان به منظم ادبیات بر موری برای آینده تحقیقاتی مسوهای برای پایه راپادار های انتقال	بر که است مدرن تجاری های سیستم در اساسی محرک یک دیجیتال کار آفرینی گذارد می تأثیر و کلر کسب سیستم کل سازی شبکه های مکانیسم و اهداف ساختار. مدرن، کار آفرینی های سیستم در ناپذیر اجتناب تغییرات ایجاد با دیجیتال های فناوری کندی فرآهر راجرای جدیدی تجاری های فرصت.
Ziyae et al., 2021	آر نان زنان وای شهری کار آفرینی از چارچوبی	ای زمینه شرایط و گر مداخله عوامل علی، عوامل شهری کار آفرینی مدل لصدی ابعاد است. های دوره آموزشی، و گذاری سیاست های برنامه طریق از شهری کار آفرینی واحدهای ایجاد و حمایتی معیار های تدوین ها، فرصت شناسایی زنان، توانمند سازی دهند می ارتقا اقتصادی و اجتماعی فرهنگی، توسعه توسعه، وای حمایتی.
Kummitha, 2019	کار آفرینی و هوشمند شهری: وای کار دستور آینده تحقیقات	کندی ایفا دیجیتال های فناوری گسوش و ترویج در مهمی بسیار نقش کار آفرینی. با جمع ها داده از عظیمی حجم شهری، های زیست در فناوری گسوش و توسعه است مفید تولید خطر ارتقاء عنوان به استفاده وای که شود می آوری. شهر بنوا این است کار آفرین شهر یک هوشمند.
Gorelova et al., 2021	کار آفرینی های اکوسیستم پیامدهای و سوابق شهر توسعه با تعامل فرآیند در دیجیتال هوشمند	است مهم شهری محیط در آن توسعه مسوهای و کار آفرینی ماهیت. مفهوم امروزه دیجیتال کار آفرینی اکوسیستم از بخشی عنوان به دیجیتال کار آفرینی (DEE) نظر در کندی فرآهر موثر کار آفرینی های فعالیت برای محیطی که شود می گرفته.
Vidmar et al., 2021	کار و کسب راپاداری برای اطلاعات فناوری: خودکار تحلیل و تجزیه با ادبیات بر موری محتوا	گو دفتر استفاده مورد راپاداری اهداف به دستیابی برای تواند می اطلاعات فناوری. مثبت تغییرات به توان می اطلاعات فناوری از استفاده با که است از آن حاکم نتایج با ترکیب در اطلاعات فناوری زوا یافت، دست محیطی زیست و اجتماعی اقتصادی، دهد می ارائه مثبت تغییرات برای ها فرصت از وسیعی طبق راپاداری، اهداف
Al-Baghdadi et al., 2021	شوکت عملکرد و راپادار کار و کسب مدل: نقش راپادار مدوریت و گوی جهت میانجی	به دستیابی برای های نوآوری جدید و کلر کسب های مدل که گود می نتیجه مطالعه این یافت دست کلیدی اهداف به توان می آن با و کندی ارائه راپاداری.
Choongo, 2019	زایبیا در شهری کار آفرینی تکامل	ایجاد با بتواند باید شهرها مختلف های بخش در تحول حال در شهری کار آفرینی کندی فرآهر کار آفرینان برای آسایش و رضایت منازل، مجاورت در کلر کسب.
Khan et al., 2021	دایره اقتصاد های شیوه و دیجیتال فناوری ای: سازماتی عملکرد بهبود برای استواری	هستند رایج تجاری های مدل اقتصاد تغییر حال در پیشرفته های فناوری. بنوا این، در دیجیتال های فناوری ادغام طریق از راپادار و مالی اهداف به همزمان دستیابی بخشد می بهبود را موثر کار و کسب های مدل اقتصادی عملکرد کارها، و کسب.

بررسی ادبیات انجام شده در زمینه راپاداری کسب و کار در شهرهای هوشمند، چارچوب مفهومی تحقیق را تشکیل داده است و نشان می دهد که در ایجاد راپاداری کسب و کار در شهرهای هوشمند، امکان ارتباط مستقیم معنادار بین مؤلفه های کار آفرینی شهری و همچنین دیجیتال وجود دارد. فناوری ها را می توان با رابطه میانجی تعریف کرد. شناسایی سهم هر یک از مؤلفه ها و آیتهم ها در شکل دادن به راپاداری کسب و کارها در شهرهای هوشمند می تواند به ذینفعان بازار، استراتژیست ها و محققان در تحلیل شرایط و الزامات توسعه و راپاداری بازارها کمک کند. همچنین با بررسی ادبیات موجود به منظور شناسایی شکاف نظری، مشخص شد که با توجه به اهمیت کار آفرینی شهری در حال و آینده و همچنین تأثیر راپاداری بازارهای ایجاد شده در شهرهای هوشمند، هیچ ارتباطی بین این دو وجود ندارد. دو مؤلفه با تأثیر میانجی فناوری های دیجیتال دیده شده است.

بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر کارآفرینی شهری بر کسب‌وکارهای پایدار در شهر هوشمند با در نظر گرفتن نقش فناوری‌های دیجیتال است.



روش‌شناسی و یافته‌ها

روش‌های نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها

تحقیق حاضر از منظر هدف کاربردی و با عنایت به نوع داده‌های تجمیعی کمی و بر مبنای روش گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. این تحقیق با مدنظر قرار دادن نقش تکنولوژی‌های دیجیتال، اثر کارآفرینی شهری روی کسب‌وکارهای پایدار در شهر هوشمند را بررسی می‌کند. نخست اطلاعات موردنیاز به شیوه کتابخانه‌ای و تحقیقات اسنادی و پیمایشی- (پرسشنامه) جمع‌آوری گردید.

بعد از آن جهت آنالیز داده‌ها از شیوه مدل معادله‌های ساختاری با روش حداقل مربعات جزئی با بهره‌گیری از نرم افزار Smart PLS^۳ استفاده شد. فرضیه‌ها بر مبنای رویکرد استقرایی که با کمک شیوه‌های کیفی حاصل می‌شود، تدوین گردیده است. بهره‌گیری از پژوهش‌های استقرایی و غیرکمی هم در اتخاذ استراتژی‌های مورداستفاده جهت تحقیقات درباره کسب و کارهای کوچک و کارآفرینی مفید می‌باشد (دانا و دانا، ۲۰۰۵). متغیر کارآفرینی شهری به عنوان متغیری مستقل با بهره‌گیری از پرسش‌نامه استاندارد Choongo (چونگو و همکاران، ۲۰۲۰) با هفت پرسش اندازه‌گیری شد. متغیر تکنولوژی‌های دیجیتال به عنوان متغیر وابسته بر مبنای پرسش‌نامه استاندارد خان (خان و همکاران، ۲۰۲۱) با پنج پرسش اندازه‌گیری گردید. از سوی دیگر کسب و کارهای پایدار در شهر هوشمند به عنوان متغیری وابسته با پرسش‌نامه استاندارد البغدادی و همکاران سال ۲۰۲۱ و پرسش‌نامه استاندارد کوسوماستوتی و همکاران سال ۲۰۲۲ با شش پرسش اندازه‌گیری گردید. انتخاب پاسخ‌دهندگان مناسب جهت کسب داده‌های دقیق برای آزمون رابطه‌های ویژه میان تمامی متغیرهای مرتبط مدل پژوهش الزامی است.

بر همین مبنای جامعه آماری تحقیق دربرگیرنده تمامی شرکت‌های خلاق و نوآور در ایران است که بر مبنای آمار رسمی موجود در وبسایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۴۴۲ شرکت است. جهت دسترسی به نمونه آماری، پژوهشگر در سال ۲۰۲۲ میلادی، داده‌ها را به شکل الکترونیکی و از راه پرسش‌نامه آنلاین جمع‌آوری نمود. بر مبنای فرمول کوچران با خطای پنج درصد، نمونه آماری ۳۰۴ شرکت می‌باشد که در نتیجه پرسش‌نامه برای



۳۳۰ شرکت ارسال گردید تا مدیران ارشد این شرکت‌ها به آن جواب دهند و در آخر، ۳۱۵ داده قابل آنالیز جمع‌آوری و جهت تحلیل مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده (در دسترس) استفاده گردید. سازه‌ها با بهره‌گیری از مقیاس لیکرت هفت درجه‌ای اندازه‌گیری شدند که از «۱» بیانگر «کاملاً مخالفم» تا «۷» بیانگر «کاملاً موافقم» می‌باشد. جدول شماره ۲ زیراطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌ها و پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۲

		مرد	زن			30-37	37-44	44-51	51-58
جنسیت	f	237	57	سن	f	43	116	107	49
	%	75%	25%		%	13.5%	37%	34%	15.5%
تحصیلات	f	Master 206	PhD. 109	تجربه کاری	f	5-10 78	10-15 119	15-20 110	20-25 8
	%	65%	35%		%	24%	38%	35%	2.5%

جدول ۳

اجزا	آیتم	فاکتور بار	T Statistic	(>0.7) آلفای کرونباخ	Composite Reliability (CR>0.7)	
کارآفرینی شهری	UE1	0.712	7.64	0.813	0.761	0.564
	UE2	0.651	8.91			
	UE3	0.537	12.14			
	UE4	0.803	6.11			
	UE5	0.817	6.03			
	UE6	0.511	13.07			
تکنولوژی دیجیتال	UE7	0.691	9.01	0.821	0.812	0.573
	DT1	0.571	10.05			
	DT2	0.682	9.14			
	DT3	0.514	12.06			
	DT4	0.762	8.012			
	DT5	0.781	8.06			
کسب و کار پایدار در شهر هوشمند	SBSC1	0.615	9.07	0.804	0.798	0.593
	SBSC2	0.714	8.01			
	SBSC3	0.638	9.15			
	SBSC4	0.562	13.04			
	SBSC5	0.847	5.14			
	SBSC6	0.739	8.11			

۴

جدول

اجزا	کارآفرینی شهری	تکنولوژی دیجیتال	کسب و کار پایدار در شهر هوشمند
کارآفرینی شهری	0.750		
تکنولوژی دیجیتال	0.731	0.756	
کسب و کار پایدار در شهر هوشمند	0.727	0.743	0.770

فرضیه‌های تحقیق

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته فوق، مدل اصلی تحقیق حاضر با دسته‌بندی کارآفرینی شهری، تکنولوژی‌های دیجیتال و پایداری کسب‌وکار در شهر هوشمند توسعه پیدا کرد. در نتیجه، فرضیه‌های این تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

فرضیه ۱ (H₁): کارآفرینی شهری رابطه مثبت با کسب و کارهای پایدار در شهر هوشمند دارد.

فرضیه ۲ (H₂): کارآفرینی شهری رابطه مثبتی با تکنولوژی‌های پایدار دارد.

فرضیه ۳ (H₃): تکنولوژی‌های پایدار رابطه مثبتی با کسب و کارهای پایدار در شهر هوشمند دارند.

فرضیه ۴ (H₄): کارآفرینی شهری از راه متغیر واسطه تکنولوژی‌های پایدار اثر غیرمستقیم بر روی کسب و کارهای پایدار در شهر هوشمند دارد.

آنالیز داده‌ها

تحقیق حاضر از مدل معادله‌های ساختاری حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) جهت پیش‌بینی و سنجش مدل‌های اندازه‌گیری بهره‌برده است. جهت ارزیابی پایایی پرسشنامه از شاخص‌های شیوه حداقل مربعات جزئی استفاده گردید. در این شیوه، پایایی با دو شاخص مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد: الف) آلفای کرونباخ و ب) پایایی ترکیبی (CR). ضریب آلفای کرونباخ بیان‌کننده توانایی پرسش‌ها در تشریح مناسب ابعاد مربوطه بوده و ضریب پایایی ترکیبی درجه همبستگی میان پرسش‌های یک بعد را با بعد دیگر مشخص می‌کند تا به میزان کافی با مدل‌های اندازه‌گیری سازگاری داشته باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱). نتیجه‌های پایایی پرسش‌نامه تحقیق حاضر با دو شاخص مذکور در جدول شماره ۳ آمده است.

ویژگی روایی پرسش‌نامه با بهره‌گیری از روایی همگرا و با استفاده از شیوه حداقل مربعات جزئی تحت ارزیابی قرار گرفت و این ویژگی نیز مقدار توانمندی معیارهای یک بعد را در تشریح آن بعد بیان می‌کند. روایی همگرا به وسیله AVE (Average Variance Extracted) بررسی می‌گردد که چنانچه بیشتر از ۰٫۵ باشد، اعتبار همگرایی ابزار اندازه‌گیری مورد تایید است (Hulland, ۱۹۹۹).

همانگونه که در جدول شماره ۳ آمده است، بار عاملی تمامی موارد بیشتر از ۰٫۷۰ می‌باشد. از همین روی، توانمندی اطمینان ترکیبی تمامی ساختارها بیشتر از ۰٫۷۰ است در حالی که مقدارهای AVE بالاتر از ۰٫۵۰ می‌باشد که مطابق با پیشنهاد است.

در این تحقیق از روش آنالیز معادلات ساختاری و نرم افزار Smart PLS نسخه ۳ جهت آزمون مدل و فرضیه‌ها استفاده گردید. نتیجه‌های بدست آمده نشان می‌دهند که میانگین واریانس همه سازه‌ها بیشتر از ۰٫۵ می‌باشد که به معنای تایید اعتبار سازه‌ها می‌باشد. آلفای کرونباخ نیز برای سازه‌ها بیشتر از ۰٫۷ و پایایی ترکیبی هم بیشتر از ۰٫۷ می‌باشد. از همین روی، پایایی سازه‌ها هم مورد تایید است. با عنایت به جدول شماره ۳، روایی واگرا نیز تایید می‌گردد و نتیجه‌های ذیل نشان‌دهنده این موضوع هستند که ابزار تحقیق از ویژگی روایی و پایایی برخوردار می‌باشد.

آنالیز مدل ساختاری

برازش مدل: برازش کلی مدل با بهره‌گیری از معیار خوب بودن برازش (GoF) مورد ارزیابی قرار گرفت که با استفاده از دو معیار میانگین اشتراک و R² محاسبه گردید. خوبی برازش در معادله ۰٫۵۱ می‌باشد که بیشتر از حداقل قابل قبول (۰٫۳۶) است. در نتیجه مدل پژوهش برازش خوبی را داراست. با عنایت به جدول شماره ۷، همه موردها بیان‌کننده

برازش قوی مدل مورد نظر بوده و مقدار کمی آن بیشتر از ۱,۹۶ می‌باشد. نتیجه‌های آنالیز مسیر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش در ذیل آمده است و نشان‌دهند آن است که هوشمند سازی، سواد دیجیتال، فضای آموزش آنلاین و یادگیری کارآفرینی اثر مستقیم و معنی‌داری روی آموزش کارآفرینی آنلاین دارد. جدول‌های ۴، ۵ و ۶ را ببینید.

نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر بررسی اثرگذاری کارآفرینی شهری بر روی کسب و کارهای پایدار با مدنظر قرار دادن نقش تکنولوژی‌های دیجیتال در شهرهای هوشمند می‌باشد. نتایج نشان می‌دهند که کارآفرینی شهری قادر است با استفاده از تکنولوژی‌های دیجیتال، پایداری را در شرکت‌های شهری به وجود بیاورد. تجزیه و تحلیل فرضیه نخست اثرگذاری مثبت کارآفرینی شهری را بر روی کسب و کارهای پایدار در شهرهای هوشمند نشان می‌دهند.

با عنایت به تغییر و تحولات تازه، نوآوری‌ها و خلاقیت‌هایی که کارآفرینی شهری را به وجود آورده و بهبود می‌بخشد قادر است به صورت تاثیرگذاری پایداری شرکت‌ها را در شهر هوشمند بهتر کرده و بالا ببرد. از جمله مولفه‌های اساسی در به وجود آمدن پایداری کسب و کارها، کارآفرینی شهری است. میان کارآفرینی و شهرهای هوشمند ارتباطی متقابل وجود دارد. اول اینکه کارآفرین‌ها مداخله‌های تکنولوژی را شروع کرده تا به شهرهای یاری برسانند تا تحت شرایط گذار اجتماعی و تکنیکی قرار بگیرند و تبدیل به شهرهای هوشمند گردند. از سوی دیگر، این تکنولوژی‌های بهره‌بردار شده در شهرها موجب به وجود آمدن داده‌هایی می‌شوند که به شرکت‌ها کمک می‌کنند تا فرصت‌های تازه را شناسایی کنند. نتیجه‌های حاصل مطابق با تاییدیه فرضیه مذکور در پژوهش کومیتا در سال ۲۰۱۹ می‌باشد (Kummita R., ۲۰۱۹).

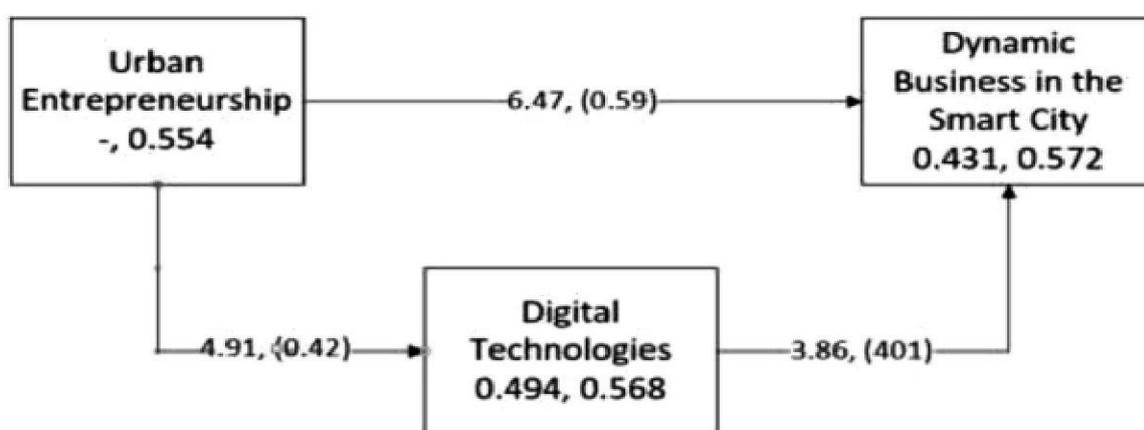
در فرضیه دوم تایید شد که ارتباطی مثبت میان کارآفرینی شهری و تکنولوژی دیجیتال وجود دارد. بهره‌گیری از تکنولوژی دیجیتال در کسب و کارها، رویکردی نوین و نوآورانه در زمینه کارآفرینی شهری بوده که قادر است فرصت‌ها و امکانات تازه‌ای را برای کسب و کارهای تکنولوژی شهری به وجود آورد. تکنولوژی‌های دیجیتال در سالیان اخیر بسیار پیرفت کرده و به قسمتی جدا نشدنی از منطقه‌های گوناگون فضای شهری مبدل گردیده است و به توسعه شهری کمک می‌نماید.

کارآفرینی شهری توسعه تکنولوژی‌های دیجیتال را گسترش می‌دهد و آن را به یکی از ساختارهای اکوسیستم کارآفرینی دیجیتال (DEE) مبدل می‌سازد. در نتیجه ابزارهای تکنولوژی دیجیتال با به وجود آوردن نوآوری‌ها و ایده‌های تازه، موجب بهبود عملکرد کارآفرینی شهری می‌گردد. پژوهش‌های مشابهی درباره ارتباط میان تکنولوژی‌های هوشمند و پایدار و کارآفرینی شهری صورت گرفته است که نتایج آن‌ها با یافته‌های تحقیق حاضر مطابقت دارند.

در تحقیق حاضر، فرضیه سوم تایید می‌کند که ارتباط مثبتی میان تکنولوژی‌های دیجیتال و به وجود آمدن کسب کارهای پایدار در شهر هوشمند وجود دارد. از همین روی، یکی از کلیدی‌ترین عامل‌های کسب پایداری در کسب و کار، ایجاد تعامل میان ابزارهای دیجیتال و کسب و کارها در شهر هوشمند می‌باشد. از همین جهت برای سیاست‌گذاران این حوزه، مدیریت پایداری در یک فضای دیجیتالی شده بایستی یک امر محوری گردد چرا که فناوری اطلاعات گستره عظیمی از فرصت‌ها را جهت تغییرات مثبت در ترکیب با هدف‌های پایداری ارائه می‌دهد. این نتیجه با نتایج تحقیقات مشابه نظیر ویدمار و همکاران در سال ۲۰۲۱ مطابقت داشته و از این روی فرضیه سوم مورد تایید می‌باشد.



تکنولوژی‌های دیجیتال به عنوان رویکردی جهت به وجود آوردن پایداری به فضای کسب و کار در شهرهای هوشمند اضافه می‌گردند. توسعه و پیشرفت تکنولوژی‌های پایدار و دیجیتال اثر مثبتی بر روی توسعه پایدار کسب و کارهای شهر هوشمند می‌گذارد. با عنایت به نقش واسطه‌ای تکنولوژی‌های دیجیتال در ارتباط با کارآفرینی شهری و پایداری مشاغل در شهرهای هوشمند، می‌توان عنوان نمود که کارآفرینی شهری با بهره‌گیری از تکنولوژی‌ها دیجیتال قادر است ارزش فراتری در محصول‌ها و سرویس‌های موردنیاز مشتریان ارائه نماید. مثلاً با یکپارچه‌سازی و جمع‌کردن نیازهای مشتریان، نظارت بر روی عرضه درست سرویس‌ها و کم شدن زمان ارائه آن‌ها می‌تواند در کسب پایداری در مشاغل مفید و تاثیرگذار باشد.



نکاتی برای پژوهش‌های آینده

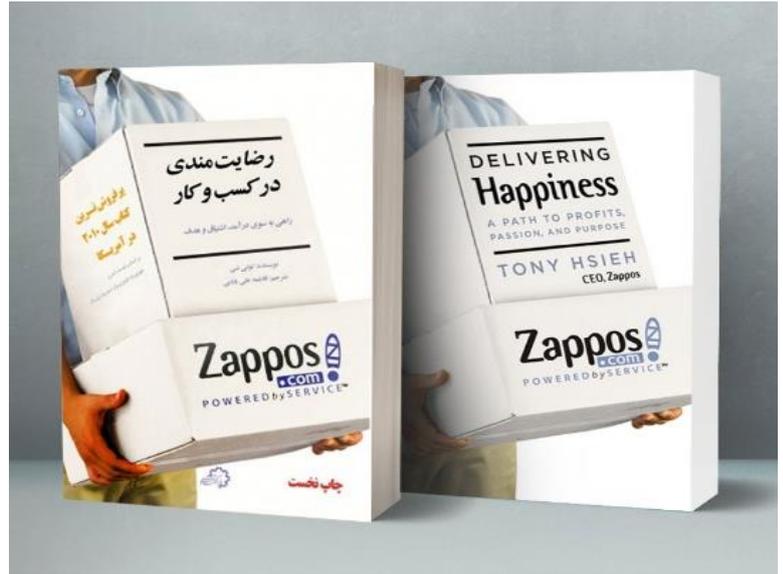
با عنایت به پژوهش‌های صورت گرفته، محقق پیشنهاد می‌کند جهت پایداری کسب و کارها در شهرهای هوشمند، با توجه به شاخص‌های کارآفرینی شهری، کوشش جهت بهره بردن از تکنولوژی دیجیتال به سمت هوشمندسازی متمرکز گردد. از طرف دیگر به سیاست‌گذاران و محققین در حوزه آموزش و کارآفرینی پیشنهاد می‌گردد:

۱. انجام تحقیقات مستقل درباره ملزومات عملی، بهبود و توسعه استفاده تکنولوژی‌های دیجیتال نوین در شغل‌های سنتی در کشورهای در حال توسعه که اقتصادی متناقض دارند.
۲. با عنایت به نتایج تحقیق حاضر و با هدف به وجود آمدن شناختی دقیق و بهینه از امکانات و ساختارهای موجود تکنولوژی‌های دیجیتال نوین، برنامه‌ای ساختاری و تاثیرگذار جهت بهره بردن از این تکنولوژی‌ها در راستای افزایش سهم کارآفرینی شهری تدوین گردد.
۳. بررسی جامعی نه تنها از نوآوری‌های تکنولوژی دیجیتال، بلکه از نوآوری‌های تکنولوژی‌های نوین و اثرگذاری آن‌ها روی بهبود و توسعه پایدار کسب و کار صورت پذیرد.
۴. اثر مداخله‌کننده تعامل‌های بین‌المللی، دولت الکترونیک و شناسایی مدل‌های نوین رفتار کاربر با هدف بالا بردن پایداری کسب و کارها در شهرهای هوشمند مورد بررسی قرار گیرد.

1. Ahad, et al. (2020). Enabling technologies and sustainable smart cities. *Sustainable cities and society*, 61.
2. Al-Baghdadi, et al. (2021). Sustainable Business Model and Corporate Performance: The Mediating Role of Sustainable Orientation and Management Accounting Control in the United Arab Emirates. *Sustainability*, 13(16), 8947.
3. Albino, et al. (2015). Smart cities: Definitions, dimensions, performance, and initiatives. *Journal of Urban Technology*, 22, 3–21.
4. Alderete, M. (2019). Electronic commerce contribution to the SME performance in manufacturing firms: A structural equation model. *Contaduría y administraci_on*, 64 (4).
5. Anttiroiko, et al. (2013). Smart cities in the new service economy: building platforms for smart services. *Journal OF AI & Soc*, 29, 323–334.
6. Audretsch, et al. (2015). Making sense of the elusive paradigm of entrepreneurship. *Small Business Economics*, 45(4), 703–712. doi:10.1007/s11187-015-9663-z.
7. Audretsch, D., & Fritsch, M. (2002). Growth regimes over time and space. *Regional Studies*, 36(2), 113–124. doi:10.1080/00343400220121909.
8. Bakici, et al. (2013). A smart city initiative: The case of Barcelona. *Journal of the Knowledge Economy*, 4(2), 135–148.
9. Barba-S_anchez et al. (2019). 148.
10. Barns, S. (2016). Mine your data: Open data, digital strategies and entrepreneurial governance by code. *Urban geography*, 37(4), 554–571.
11. Belz, F. M., & Binder, J. K. (2014). A process view on sustainability entrepreneurship: Towards a model. *Entrepreneurship Summer University at ISCTE-IUL*, 2013, 146.
12. Bican, P. M., & Brem, A. (2020). Digital business model, digital transformation, digital entrepreneurship: Is there a sustainable “digital”? *Sustainability*, 12(13), 5239.
13. Bouncken, R. B., & Kraus, S. (2021). Entrepreneurial ecosystems in an interconnected world: emergence, governance and digitalization. *Review of Managerial Science*, 1–14.
14. 14.
15. Bruneo, et al. (2019). An IoT service ecosystem for Smart Cities: The #SmartME project. *Journal of Internet of Things*, 5, 12–33.
16. Buciuni, G., & Pisano, G. (2018). Knowledge integrators and the survival of manufacturing clusters. *Journal of Economic Geography*, 18(5), 1069–1089. doi:10.1093/jeg/lby035.
17. lby035.
18. Camboim et al. (2019). 142.
19. Chong, et al. (2018). Dynamic capabilities of a smart city: An innovative approach to discovering urban problems and solutions. *Government Information Quarterly*.
20. Choongo, et al. (2020). The evolution of urban entrepreneurship in Zambia. *Urban studies and entrepreneurship*, 249–269.
21. Crittenden, et al. (2019). Empowering women micro-entrepreneurs in emerging economies: the role of information communications technology. *Journal of Business Research*, 19(8), 191–203.
22. Dana, L. P., & Dana, T. E. (2005). Expanding the scope of methodologies used in entrepreneurship research. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 2(1), 79–88.
23. Dana, L.-P., Salamzadeh, A., Mortazavi, S., & Hadizadeh, M. (2022). Investigating the Impact of International Markets and New Digital Technologies on Business Innovation in Emerging Markets. *Sustainability*, 14(2), 983.
24. Dana, L.-P., Salamzadeh, A., Mortazavi, S., Hadizadeh, M., & Zolfaghari, M. (2021). Strategic futures studies and entrepreneurial resiliency: a focus on digital technology trends and emerging markets. *Tec Empresarial*, 16(1), 87–100.
25. Dana, L.-P., Tajpour, M., Salamzadeh, A., Hosseini, E., & Zolfaghari, M. (2021). The impact of entrepreneurial education on technology-based enterprises development: The mediating role of motivation. *Administrative Sciences*, 11(4), 105.
26. De Guimar~aes, et al. (2020). Governance and quality of life in smart cities: towards sustainable development goals. *Journal of Cleaner Production*, 253.
27. Devaraj, S., & Kohli, R. (2003). Performance impacts of information technology: Is actual usage the missing link? *Management science*, 49(3), 273–289.
28. Díaz-Díaz, et al. (2017). The Business Model Evaluation Tool for Smart Cities: Application to SmartSantander Use Cases. *Journal of energies*, 10(3).



کار آفرینی شهری



مؤلف: Tony Hsieh

مترجم: فاطمه علی بابایی

چکیده:

این کتاب توسط نویسنده‌ای به عنوان کارآفرین بزرگ و صاحب فروش آنلاین آمریکا، تحت عنوان *Delivering Happiness: A Path to Profits, Passion, and Purpose* نوشته شده است. این کتاب، پرفروش‌ترین کتاب سال آمریکا در سال ۲۰۱۰ شد.

وی چشم انداز خود را برای نوع دیگری از فرهنگ سازمانی ارائه می‌دهد. او تجربیات خود در Zappos برای رسیدن به بیش از یک میلیارد دلار فروش ناخالص در کمتر از ده سال و واگذار کردن آن به شرکت آمازون را بیان می‌کند. شما به کمک این کتاب می‌توانید توازن صحیح سود، اشتیاق و هدف را در تجارت و زندگی بسنجید.

این کتاب که در قالب داستان و خاطرات نویسنده، بیان موفقیت‌ها، شکست‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای کسب‌وکارهایش است و پیشنهادها و راهکارهای کاربردی برای موفقیت و رضایت‌مندی درونی و بیرونی ارائه می‌نماید؛ برای هر کارآفرین، فعالین حوزه تجارت و کسب‌وکار و مدیران سازمان‌ها توصیه می‌شود.

ارتباط بین کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار از دیدگاه رشد اقتصادی

" ۱۵ کشور عضو اتحادیه مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای " ^۱

مولفین: انس علی القده، مناف العکیلی و حمزه القوده، اربید، اردن؛

مترجم: نرگس بیگی (کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی)

چکیده

کارآفرینی اجتماعی در توسعه پایدار تا ارزش آفرینی، تحویل و ثبت نقش مهمی را ایفا می کند. در این مقاله محققان در تلاش بوده اند که به ماهیت ارتباط بین توسعه پایدار و متغیرهای پنهان آن و چگونگی تاثیر گذاری این متغیرها بر توسعه پایدار پی ببرند. در خصوص زمانی که 15 کشور مشارکت اقتصادی جامع منطقه ای که نزدیک به یک سوم جمعیت جهان را در خود جای داده اند و 29 درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهند حضور دارند برای تخمین ارتباط ذکر شده در بالا دو مدل به کار گرفته شد، مدل معادلات ساختاری و مدل علیت دو طرفه. این مطالعه به نتایج جالب توجهی که با نتایج مطالعات قبلی در این زمینه همخوانی دارد دست یافته است. نتایجی از این قبیل که بین کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار ارتباط مثبت و بین نوآوری و توسعه پایدار نیز ارتباط مثبتی وجود دارد و در رابطه با متغیرهای موسسات نیز این مطالعه نشان می دهد که این متغیر تأثیر غیرمستقیمی بر نوآوری دارند.

رونق اقتصادی معمولاً از طریق سرانه تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می شود (GDP pc)، تمامی کالاها و خدمات تولید شده توسط یک کشور به صورت سالیانه بر جمعیت کل کشور تقسیم می شود. رکود اقتصادی به معنای استخدام کمتر و تنش اجتماعی بالاتر می باشد. در راستای این ضوابط و شرایط اقتصادی به تجزیه و تحلیل‌هایی به منظور شناسایی شناسایی عواملی که باعث افزایش رونق اقتصادی و کاهش رکود اقتصادی می شوند انجام شده است. ایده های اصلی این مطالعه مربوط به نوآوری (گالیندو و مندز 2014)، سرمایه انسانی (آدرتش 2005) و کارآفرینی (بوسما، پراگ و ورهول 2012) می باشد. نتایج آماری و تحلیل ها شامل چندین کشور متغیرهای کیفی در مطالعات تجربی می باشد. از بین متغیرهای احتمالی، مطالعات پیشین بر سه متغیر

¹ RCEP

اصلی تمرکز دارند: نوآوری ها، کارآفرینی و نقش موسسات و همانگونه که در بخش مروری بر ادبیات نشان داده خواهد شد ارتباط مستقیمی بین هر سه متغیر وجود دارد.

مطالعه پایداری دروازه هایی را به سمت مسیرهای مخالفی می گشاید که نخستین مسیر واژه ی Cornucopians به معنای شاخ وفور و نعمت می باشد که برگرفته از یک واژه ی باستان یونانی می باشد (گیمپیترو، میامی و سارمان توگاو 2011) دومین مسیر براساس آنچه در کوواچیچ، استرند و ولکر (2019). از آن یاد شده است "پیامبر بد شگونی" نامیده می شود. نخستین رویکرد اذعان دارد که از آنجا که پیشرفت در تکنولوژی و موفقیت در کسب و کار مزایای رقابت برانگیزی برای شرکت هایی که ارائه کننده نوآوری های در فرایند تولید می باشند فراهم می آورند، محدودیت های محیطی مشکلی برای رونق اقتصادی ایجاد نمی کنند. به همین دلیل نوآوری یک متغیر ضروری در این مطالعه به شمار می آید. در حالی که دومین رویکرد اظهار می دارد که محدودیت های طبیعی و کمبود منابع مانع از رشد اقتصادی می شود.

علی رغم اهمیت رشد اقتصادی، بمنظور اجتناب از روش های سنتی ناپایدار کسب و کار، توسعه پایدار می تواند به عنوان یک هدف اصلی در نظر گرفته شود. در عین حال نقش کارآفرینی در انجام چنین مطالعاتی را نمی توان نادیده گرفت. در صورتی که کار آفرینی و نوآوری های سنتی مکمل یکدیگر باشند هر دو متغیر می تواند مفید واقع شوند (گالیندو و مندز پیکازو ۲۰۱۳).

تصمیم گیرندگان می بایست بر افزایش برای توسعه پایدار تمرکز داشته باشند چرا که از دیدگاه مدرن (رنینگ، آندریاس و توماس (۲۰۰۴) بدون بی اهمیت دانستن دیگر اهداف، توسعه پایدار به یکی از اهداف اصلی برای برآورده کردن نیازها تبدیل شده است. در این مقاله دو عامل مرتبط به رشد اقتصادی، کارآفرینی و نوآوری ها بر اساس روش کارهای ارائه شده در دهه اخیر مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. از آنجا که در این مقاله هدف توسعه پایدار جایگزین هدف سنتی رشد اقتصادی میشود، در این خصوص دو متغیر اصلی که در بالا به آن ها اشاره شد مدنظر گرفته خواهند شد.

نوآوری به معنای رقابتی کردن فرآیندهای تولید، ورود به بازارهای جدید از طریق ارائه یک محصول جدید یا بهبود یافته شده، معرفی فرایند جدید تولید، توسعه بازارهای فروش جدید، توسعه بازارهای جدید عرضه و سازمان دهی مجدد یا باز سازی شرکت می باشد (چرون ۲۰۱۴). از این جهت، آزمودن ارتباط بین نوآوری و توسعه پایدار و تعیین ماهیت این ارتباط و این که کدام شاخص نوآوری بیان کننده این ارتباط می باشد مفید است.

با در نظر گرفتن دیگر متغیر های اصلی یعنی کارآفرینی، این نکته حائز اهمیت است که کارآفرینی به معنای ایجاد یک کسب و کار جدید میباشد. کارآفرینی معمولا با میزان رشد بالاتری نسبت به رقیبان غیر کارآفرین

، کسب و کارهایی از جمله کار آفرینی های موجود و غیر موجود ایجاد می کند (برویات و جولین ۲۰۰۱). از این نظر نه تنها نقش کارآفرین اجتماعی بلکه نقش کارآفرین سنتی نیز می بایست در نظر گرفته شود (Acs, مک نیلی و بوردمن 2013). آزمودن ارتباط بین انواع پیشین کارآفرینی و هدف اصلی، به منظور تعیین میزان تاثیر گذاری هر کدام بر توسعه پایدار ضروری می باشد. از آنجا که در هر دو نوع، نوآوری نقش مهمی برای کارآفرینان ایفا میکند، آزمایش ارتباط بین نوآوری ها و دو نوع دیگر از کارآفرینی و تعیین ارزش هر کدام در تلاش برای نشان دادن منافع مورد انتظار به ذینفعان مفید می باشد.

طی یک برآورد اولیه ارتباط بین نوآوری ها و نوع کارآفرینی و توسعه پایدار مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. محققان برای کسب اطمینان بیشتر در خصوص تکمیل تجزیه و تحلیل با استفاده از روش (میگل و گالیندو ۲۰۲۰) سازمان ها را بعنوان یک متغیر اضافی در نظر میگیرند و ارتباط بین دو نوع کارآفرینی و موسسات تعیین می شود. دلیل اصلی انجام اینگونه تجزیه و تحلیل ها تعیین این موضوع می باشد که آیا کارآفرین سنتی یا اجتماعی باعث ارتقای فضای اقتصادی می شود؟ تعیین میزان تاثیر گذاری اینگونه موسسات بر دو نوع قبلی کارآفرینی، سنتی و اجتماعی از این دیدگاه غیر ممکن می باشد .

کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار بویژه از آنجا که مرتبط با کیفیت زندگی می باشند با یکدیگر مرتبط هستند که شرکت را ملزم به تطبیق جنبه های پایداری و ابعاد زندگی اجتماعی با یکدیگر می سازد . در حالیکه کارآفرینی های اجتماعی و نوآوری ها به عنوان کلیدی برای برآورده ساختن تقاضا های پایداری معرفی شده اند. در این زمینه از تجزیه و تحلیل های فراوان انجام شده ، به بحث در خصوص بازتابی از کارآفرینی و نوآوری ها در حرکت به سوی توسعه پایدار می پردازیم (چن 2014).

این موضوع که برای دانشگاه ها، مجامع علمی، سیاست گذاران از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است قطعاً بسیار پیچیده و گسترده می باشد و می بایست از دیدگاه های مختلفی به آن پرداخت. این مقاله نه می تواند و نه سعی بر آن دارد که به تمامی سوال ها پاسخ دهد بلکه زمینه ای برای بحث و بررسی برخی از راه هایی را فراهم می آورد که کارآفرینی اجتماعی، نوآوری ها و ابعاد سازمانی در ارتباط با توسعه پایدار به کار گرفته می شوند.

از آنجا که تمامی جوامع بدون توجه به رویکرد آن (محلی، منطقه ای، کشوری یا جهانی) هنوز در جستجوی راه حل های مناسبی که منجر به توسعه پایدار می شوند می باشند این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. در این خصوص تمامی محققان در سراسر جهان در حال بررسی این موضوع هستند که چگونه کارآفرینی اجتماعی، نوآوری ها و جوانب سازمانی می توانند به تحول توسعه پایدار به صورت گسترده تری کمک کنند.

هدف اصلی مقاله کنونی آزمایش ارتباط بین کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار از دیدگاه رشد اقتصادی توسط تجزیه و تحلیل تجربی در خصوص 15 کشور عضو اتحادیه مشارکت اقتصادی جامعه منطقه‌ای می باشد که این کشورها تقریباً یک سوم جمعیت جهان و 29 درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می دهند. این مقاله شامل 5 بخش زیر می باشد: بخش اول که با مقدمه ای بر توسعه پایدار، کارآفرینی اجتماعی، نوآوری ها و سازمان ها آغاز می شود. بخش 2 به مروری بر ادبیات می پردازد و بخش سوم به معرفی چارچوب نظری و بخش 4 نتایج تجربی تحقیق را ارائه می دهد. بخش 5 به بحث و نتیجه گیری می پردازد. در پایان بخش 6 محدودیت ها و جهت گیری های تحقیقاتی در آینده را ارائه می کند.

۲. مروری بر ادبیات

کمیسیون بروتلند گزارش خود را با عنوان آینده مشترک ما با هدف ایجاد ارتباط بین مسائل توسعه پایدار و ثبات اقتصادی منتشر کرد. با انتشار این گزارش یک تعریف بسیار پر استناد از توسعه پایدار با این مضمون ارائه شد " توسعه‌ای که می‌تواند نیازهای کنونی خود را بدون به خطر انداختن توانایی‌های نسل‌های آینده در برآورده ساختن نیازهای خود برآورده سازد" (مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۸۷). اگرچه هدف این مفهوم از توسعه پایدار حفظ پیشرفت اقتصادی و در عین حال محافظت از ارزش‌های طولانی مدت زندگی اجتماعی می باشد، چارچوبی برای تلفیق سیاست‌های اقتصادی و استراتژی‌های توسعه فراهم می سازد (مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۸۷). با این حال مدت‌ها پیش از قرن بیستم، محققان استدلال کردند که نیاز به انجام مبادلاتی بین توسعه اقتصادی و پایداری نمی باشد.

اگرچه تعاریف فراوانی برای توسعه پایدار وجود دارند اما متداول‌ترین آنها تعریف ارائه شده توسط کمیسیون بروتلند می باشد (درنباخ ۱۹۹۸-۲۰۰۳ سرین ۲۰۰۶). این تعریف گسترده که در این مقاله به کار برده خواهد شد حوزه پایداری را محدود نمی سازد. با این حال این تعریف به اهمیت برابری بین نسل‌ها مربوط می شود. این مفهوم از حفظ منابع برای نسل‌های آینده یکی از ویژگی‌های اصلی می باشد که سیاست توسعه پایدار را از سیاست اقتصادی سنتی متمایز میکند که همچنین در پی درونی سازی پیامدهای بیرونی کاهش منابع می باشد. هدف کلی توسعه پایدار ثبات طولانی مدت اقتصادی می باشد که تنها از طریق تلفیق و اعلام نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی طی فرایندهای تصمیم‌گیری قابل دستیابی می باشد.

هر دو، کارآفرینی و توسعه پایدار راه‌حلی برای تضمین توسعه کلی جامعه در آینده به شمار می آیند (استفان سکو، گابور و کانتیو ۲۰۱۱). با این حال موضوع تحقیقاتی کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار در حوزه‌های علمی نسبتاً موضوع جدیدی به شمار می آید و به ویژه در دو دهه اخیر توسعه یافته است، چرا که

پیش از سال ۲۰۱۰ مقالات اندکی در حوزه توسعه پایدار و کارآفرینی اجتماعی وجود داشت (هال، دانکه و لنوکس ۲۰۱۰).

مفهوم توسعه پایدار که به عنوان یک مفهوم جامع و کامل مورد توجه قرار گرفته است به منظور عنوان کردن نقش کارآفرینی برای حل مسائل اجتماعی مطرح شده است. توسعه پایدار دارای برخی ویژگی های اصلی مانند مسئولیت اجتماعی، رقابت برانگیز بودن، پیشرفت، آگاهی بخشیدن و بهره بردن از این آگاهی، نوآوری ها، پویایی و جستجوی مزایای تجاری ارزش ساز اجتماعی می باشد (کریسوناس و گربلیکایت ۲۰۰۷).

چنین رویکرد بلند پروازانه ای از کارآفرینی که نه تنها سعی در کمک بخشیدن به توسعه پایدار خود سازمان دارد بلکه سعی در افزایش نقش سازمان در توسعه پایدار بازار، جامعه، محلی، منطقه ای، ملی و جهانی نیز دارد که بطور کلی نیازمند نوآوری های پایداری قابل توجهی دارد. در این زمینه (گرلاخ ۲۰۰۳) از ضرورت دستیابی به تحلیل نقش کارآفرینی اجتماعی برای اعمال توسعه پایدار از دیدگاه اقتصاد سخن می گوید.

با توجه به گفتگوی بالا یادآور می شویم که حفظ پیشرفت اقتصادی، محافظت از ارزش های بلند مدت زندگی اجتماعی، حفظ منابع برای نسل های آینده و فعالیت های کارآفرینی (از جمله کارآفرینی اجتماعی نوآوری ها، ابعاد سازمانی) تاثیرات مثبت اقتصادی بر توسعه پایدار دارند. این مسئله باعث می شود که ما این نظریه را ایجاد کنیم:

H: توسعه پایدار واکنشی مثبت به کارآفرینی اجتماعی دارد

۳. چارچوب نظری

رشد یکی که از مهمترین متغیرهای اقتصاد کلان می باشد که مطالعات زیادی را به خود اختصاص داده است (گالیندو و مندز-پیکازو ۲۰۱۳). برای تعیین متغیرهایی که می توانند باعث پیشرفت اقتصادی شوند مطالعات زیادی انجام شده است (آبراموویتز ۱۹۸۶). نوآوری یکی از متغیرهایی است که نقش مهمی در مروری بر ادبیات رشد اقتصادی دارد. هنگامی که شرکت ها رشد اقتصادی خود را مستحکم تر می کنند سپس گسترش بازار و نوآوری ها نقش مهمی را ایفا خواهند کرد. بنابراین نوآوری یکی از مهم ترین متغیرها در هر گونه فعالیت های اقتصادی با تاثیر قابل توجه مستقیم و غیرمستقیم در رشد کلی اقتصادی بشمار می آید (نیسان، گالیندو و پیکازو ۲۰۱۲).

کارآفرینی نیز یکی از عواملی است که باعث ایجاد رشد اقتصادی می شود. آدام اسمیت بر این باور است که فعالیت‌های کارآفرینی ثروت سازی می کنند در نتیجه باعث توسعه بازار که منجر به افزایش درآمد، فرصت های جدید برای بازار و جاویژه بازار می شود. بنابراین این یک ارتباط کلیدی بین کارآفرینی و رشد اقتصادی می باشد. مطالعات زیادی در زمینه تجزیه و تحلیل ارتباط بین کارآفرینی و رشد اقتصادی انجام شده است (بوسما، کانتنت، و ساندرس ۲۰۱۸) که اکثر این مطالعات ارتباط معناداری بین این متغیرها یافتند (کاستانو، مندز و گالیندو ۲۰۱۶).

همان گونه که در بخش مقدمه به آن اشاره شد متغیرهای سازمانی به عنوان یک متغیر پنهان به متغیرهای دیگر اضافه می شود که بعنوان عاملی برای رشد اقتصادی در نظر گرفته می شود.

دارون عجم اوغلو یک رویکرد تاریخی برای ارزیابی نقش موسسه ها در توسعه اقتصادی معرفی کرد و تصریح کرد که موسسه ها می بایست سه فاکتور اصلی را داشته باشند: اجرای حقوق مالکیت، محدود کردن اقدامات برخی از افراد دارای نفوذ و ایجاد فرصت‌های برای بخش بزرگی از جامعه (دارون ۲۰۰۳). آخرین عامل مهم ترین عامل به شمار می آید و می توان آن را با آسان سازی دستیابی به ساخت بهتر سرمایه انسانی بدست آورد (میگوئل و گالیندو ۲۰۲۰).

با توجه به ادبیات پیش، سه متغیر موسسه ها، نوآوری ها و کارآفرینی سه عامل مهم برای تصمیم گیرندگان در طراحی فرایندهایی با هدف افزایش رشد اقتصادی به شمار می آیند. تاثیر مثبت این کارها بر رفاه اجتماعی و رونق اقتصادی منعکس خواهد شد که اهداف مهمی برای هر جامعه ای به شمار می آیند.

مفهوم توسعه پایدار بیانگر نیاز به اصلاح روش‌های سنتی کسب و کار به منظور کاهش تاثیرات منفی بر جامعه می باشد. توسعه پایدار به توسعه ای اشاره دارد که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده در برآورده ساختن نیازهای خود برآورده می سازد (موسسه بین المللی توسعه پایدار IISD ۲۰۲۰).

با توجه به مفهوم توسعه پایدار، منابع تجدید ناپذیر می بایست به روش مناسبی طراحی شوند که بقای آنها برای نسل های آینده تضمین شود. این اهداف تنها زمانی محقق خواهند شد که اهداف اجتماعی در هر برنامه ریزی در آینده برای توسعه پایدار در نظر گرفته شوند (لیائو ۲۰۱۸). علاوه بر این به دلیل نقش کارآفرین، اهداف اجتماعی بطور یکسان به عنوان اهداف اقتصادی در تجزیه و تحلیل در نظر گرفته می شوند (دوران و رایان ۲۰۱۶). به همین ترتیب فرصت هایی که باعث افزایش درآمد می شوند به بازارهای جدیدی وارد شده، متفاوت بودن محصولات که باعث کاهش هزینه خدمات و کاهش انرژی می شود اهداف مشترک هستند که به منظور ارتقای اهداف توسعه پایدار مورد توجه کارآفرینان قرار می گیرند (آمبک و لانویی ۲۰۰۸).

اگرچه تعاریف مختلفی از کارآفرینی اجتماعی ارائه شده است (گرگوری دیز ۱۹۹۸ ماری و مارتی ۲۰۰۶) اما تعریف پایه ای که بیشترین اتفاق نظر را به خود اختصاص می دهد « انجام کسب و کار برای یک هدف اجتماعی» می باشد. به کارآفرینی اجتماعی کارآفرینی بشردوستانه نیز گفته می شود. کارآفرینان اجتماعی به گونه ای تجارت مسائل اجتماعی را با همدیگر تلفیق می کنند که زندگی افرادی که متأثر از این هدف می باشد را بهبود بخشند. معیار موفقیت کارآفرینان اجتماعی تنها سود نمی باشد، به این معنا که معیار آنها بهبود جهان می باشد (نگا و شاموگانانان ۲۰۱۰). با توجه به این تعریف گسترده مروری بر ادبیات دو جنبه اصلی را معرفی می کند: گرایش به نوآوری و خطرگریزی (بروکس ۲۰۰۹). در این زمینه مهم است که بدانیم کدام نوع از کارآفرینی تاثیر بیشتری بر توسعه پایدار دارد، به ویژه انواعی از کارآفرینی که بیشتر با مسائل اجتماعی تا سودآوری سروکار دارند.

در پایان این چارچوب نظری، می بایست برای تکمیل تجزیه و تحلیل عامل موسسه ها مد نظر گرفته شود چرا که تصمیمات اتخاذ شده توسط کارآفرینان و اقدامات آنها در این موسسه ها میتواند نقش تاثیرگذاری داشته باشد. مهمترین نقشی که موسسه ها میتوانند ایفا کنند تصمیماتی است که در خصوص منابع پشتیبان از نتایج اقتصادی اتخاذ می کنند. بدین ترتیب تصمیمات اتخاذ شده بر تصمیمات عاملان اقتصادی و فعالیت آنها تاثیر می گذارند که از نهایت منجر به رشد شاخص های اقتصاد کلان می شود (سیراوی و اینکلیز ۱۹۹۰).

نوآوری و کارآفرینی نقش بسیار مهمی در ارتقای توسعه پایدار ایفا می کنند، بنابراین در بخش بعدی محققان تاثیر کارآفرینان و کارآفرینان اجتماعی بر روی توسعه پایدار را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند. به همین دلیل به منظور تکمیل این تجزیه و تحلیل نقش موسسه هایی که کارآفرینان و کارآفرینی اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهند نیز گنجانده شده است. با توجه به روابطی که از پیش شرح داده شده است، در بخش بعدی به معرفی یک تخمین تجربی می پردازیم که به ارتباط بین هر دو نوع کارآفرینی و نوآوری و توسعه پایدار و همچنین ارتباط بین موسسه ها و هر دو نوع کارآفرینی می پردازد.

تعیین موسسه ها و کارآفرینی نیز مهم به شمار می آید، که برخی نویسندگان آن را «علیت دوطرفه» بین هر دو متغیر می نامند که به صورت نظری توسط هنریکسون و سنندجی (۲۰۱۱) بررسی شده است. کارآفرینی تنها متأثر از موسسه ها نیست، گاهی کارآفرینان نیز در شکلی دهی به خود موسسه ها یاری می رسانند. بنابراین یک علیت دو طرفه وجود دارد که تاثیر قابل توجهی بر طراحی مناسب فرایندهایی بمنظور ارتقای توسعه پایدار دارد. نویسندگان هنریکسون و سنندجی (۲۰۱۱) مطرح کردند که نه تنها می توان یک ارتباط مستقیم بین موسسات و کارآفرینی برقرار کرد بلکه این امکان نیز وجود دارد که کارآفرینان فرصت ها و شرایط

جدیدی برای موقعیت های جدید ارائه کنند. بنابراین میتوان یک ارتباط مستقیم بین کارآفرینی و موسسه ها در نظر گرفت .

توسعه پایدار باعث ساده سازی کارآفرینی می شود چرا که باعث ایجاد خطاهایی در بازار می شود و این خطا ها می توانند فرصت های جدیدی برای فعالیت های پر بازده ایجاد کنند و به کارآفرینان این امکان را می دهند که از خطاهای بازار بکاهند. بنابراین محققان می توانند به این ارتباط مهم و معنادار بین توسعه پایدار و کارآفرینی توجه داشته باشند .

۴. نتایج تجربی

۴,۱ داده ها و چند پیش آزمون

پس از ارائه چارچوب نظری در بخش آخر، یک مدل متغیر پنهان با داده های ۱۵ کشور (RCEP) عبارتند از استرالیا، بروئی، کامبوج، چین، اندونزی، ژاپن، لائوس مالزی، میانمار، نیوزیلند، فیلیپین، سنگاپور کره جنوبی، تایلند و ویتنام) ایجاد شد که نزدیک به یک سوم از جمعیت کل جهان را تشکیل می دهند و طی سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، 29 درصد از تولید ناخالصی داخلی جهان را به خود اختصاص می دهند. این نمونه شامل ۷۵ گزارش بوده است، با این حال یک نمونه کوچک برای برآورد حداقل مربعات جزئی مناسب می باشد(هیر و همکاران ۲۰۱۶).

۱۵ کشور RCEP در سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ به سه دلیل اصلی در نظر گرفته می شوند. در ابتدا نمونه انتخابی کشورها با توجه به میزان توسعه یافتگی شامل کشورهای با درآمد کم، درآمد متوسط و درآمد بالا می باشند بنابراین این نمونه موقعیت های مختلف در جهان را در نظر می گیرد. کشور های موجود در این نمونه سهم بزرگی در تولید ناخالصی داخلی جهان دارند که به نتیجه گیری ما در خصوص تعداد زیادی از کشورها اعتبار می بخشد. سوم تمامی مطالعات قبلی مربوط به یک منطقه خاص یا یک قاره می باشند. به عنوان مثال (بنی یوسف، بوباگر و عمری ۲۰۱۸) ۱۷ کشور آفریقایی از بین کشورهای کم درآمد بر اساس میزان توسعه یافته کی را انتخاب کرده و به آزمایش پایداری و کارآفرینی پرداختند. کاردوس (۲۰۱۲) دو گروه از کشورهای اتحادیه اروپا را انتخاب کرده که یکی از آنها توسعه پایداری بیشتری داشتند و گروه دیگری از کشورها بمنظور آزمایش ارتباط بین کارآفرینی، نوآوری و توسعه پایدار، دارای توسعه پایدار کمتری بودند. پانسرا و سارکار (۲۰۱۶) مراکز انرژی در شبه قاره هند را برای بررسی ۴ مورد از نوآوران مقتصد انتخاب کردند در حالیکه کارآفرینی را به عنوان یک کاتالیست برای توسعه پایدار مورد آزمایش قرار می دهند. اما در خصوص مقاله ما پس از در نظر گرفتن مهمترین ویژگیهای توافقی نامی این نمونه را انتخاب کردیم. قوانین مبدا برای هر ۱۵ کشور در مناطق یا

قاره های مختلف را تنظیم میکند و اتحاد شرکت کنندگان RCEP در یک زنجیره تولید را تسهیل می بخشد. این مسئله ممکن است به اعضای RCEP کمک کند که سهم بیشتری از زنجیره های ارزش جهانی (GVC) را جذب کنند و تخصص آنها را عمیق تر سازد و قدم های اولیه اشخاص برای سرمایه گذاری و فعالیت های تجاری را سهولت بخشد. با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی (PLS)، محققان یک مدل معادلات ساختاری (SEM) با نرم افزار 3.0 ایجاد کردند که برای مطالعات انجام شده با داده های بایگانی شده (هولاند ۱۹۹۹) یا هنگامی که یک جامعه آماری کوچک مانند شرایط کنونی (هیر و همکاران ۲۰۱۹) اندازه نمونه را محدود می سازد مفید خواهد بود.

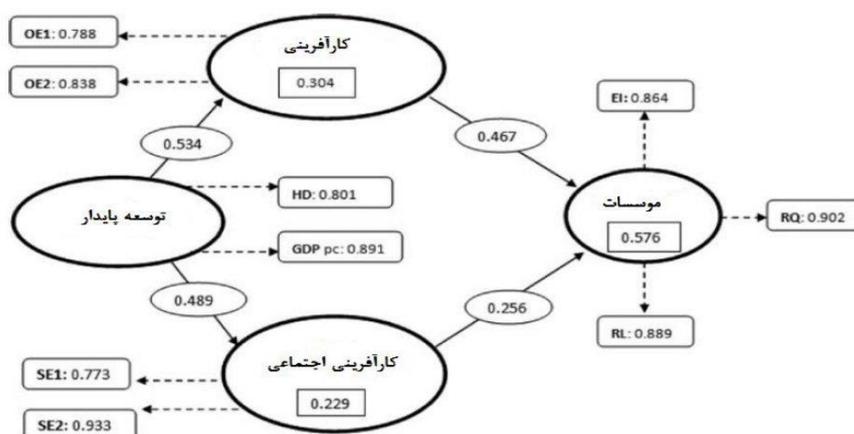
مدل معادلات ساختاری توسعه یافته در اصل از ۱). دایره هایی که مدل ساختاری را با ارائه ساختار (متغیر های پنهان) و ارتباط بین متغیرهای داخلی و خارجی (که متغیرهای برنزا و درون زا نیز نامیده می شوند) نشان می دهند و ۲) مستطیل هایی که نشان دهنده ی مقیاس های مدل ساختارها و متغیر های شاخص می باشند. دهند (هنسلر، رینگل و سینکویکس ۲۰۰۹).

شکل های یک و دو نشان دهنده یک مدل اندازه گیری می باشند که ارائه کننده یک زیر ساختار می باشد (نونالی و برنشتاین ۱۹۹۵). علاوه بر این اگر شاخص ها تبادل پذیر و دارای همبستگی باشند در نتیجه این مدل تعاملی می باشد (دیامانتوپولوس و ریفلر و راس ۲۰۰۸). شکل ۱ یک نمایش تصویری از مدل معادلات ساختاری می باشد که نشان دهنده ی ارتباط بین متغیرهای پنهان و نتایج تخمین می باشد. شکل ۲ نشان دهنده نتایج علیت دو طرفه بین توسعه پایدار و کارآفرینی (سنتی و اجتماعی) می باشد که با p کمتر از ۱٪. معنی دار می شود.

با توجه به متغیرهای پنهان، این متغیرها، متغیرهای فرضی به شمار می آیند. بعنوان مثال هارمان (۱۹۶۱) به عواملی اشاره دارد که به آنها ساختارهای فرضی گفته می شود. به همین ترتیب نونالی (۱۹۷۹) ساختار را عنوان چیزی تعریف می کند که محققان با تصورات خود آن را ایجاد می کنند. در خصوص شکلهای بالا جدول ۱ نشان دهنده شاخص هایی می باشد که از این دیدگاه به هر یک از متغیرهای پنهان اختصاص داده می شوند و توسط شاخص های مختلف به وسیله روش مدل سازی معادلات ساختاری اندازه گیری می شوند.

دو شاخص اصلی برای اندازه گیری متغیر توسعه پایدار استفاده می شوند: توسعه انسانی و سرانه تولید ناخالص داخلی. شاخص توسعه انسانی از مرکز داده های توسعه انسانی، برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) 2020) به دست آمده است و سرانه تولید ناخالص داخلی با توجه به تساوی قدرت خرید از شاخص های توسعه جهانی (\$) به دست می آید. شاخص توسعه انسانی یک شاخص آماری می باشد که دستاوردهای کلی یک کشور را از دو لحاظ بررسی می کند: ابعاد اجتماعی و ابعاد اقتصادی. توسعه انسانی میانگین هندسی برخی از شاخص

ها مانند زندگی سالم، دانش و سطح زندگی می باشد. تولید ناخالصی داخلی سرانه (بانک جهانی ۲۰۲۰)، یکی دیگر از شاخص هایی بود که برای ایجاد متغیر پنهان در توسعه پایدار بر اساس تساوی قدرت خرید به کار برده می شود. تولید ناخالصی داخلی سرانه خرید ناخالص داخلی می باشد که با استفاده از نرخ تساوی قدرت خرید به دلار بین المللی تبدیل شده است، بعنوان نرخ تبدیل ارز شناخته می شود و سعی بر برابر کردن قدرت خرید ارزهای مختلف با حذف تفاوت های قیمتی بین کشورها دارد. در این مطالعه واحد پول استاندارد دلار بین المللی می باشد .



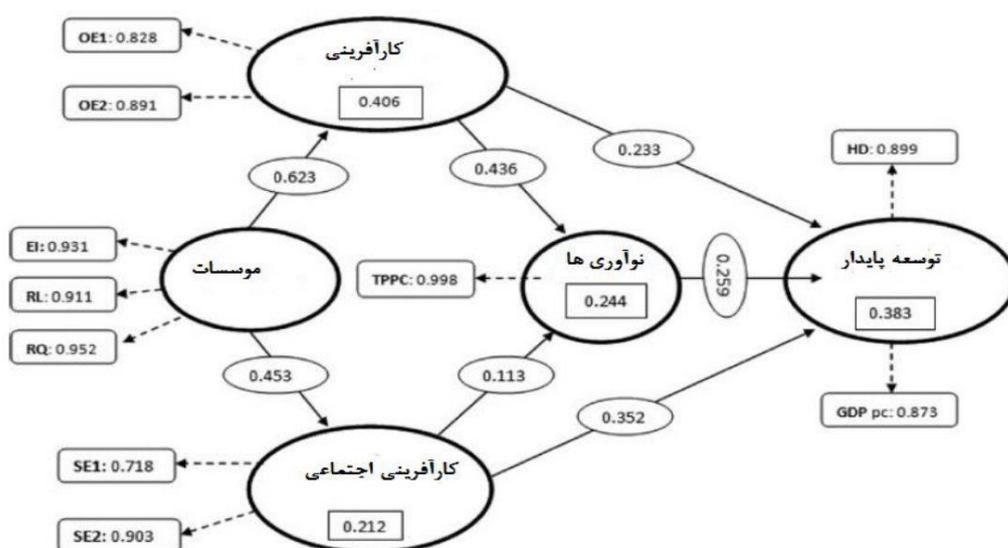
شکل ۲ : علیت دو طرفه

کارآفرینان به دو دسته اصلی تقسیم می شوند: فرصت محور و بهبود محور. برای اندازه گیری متغیر کارآفرینی محققان از همان روش میگوئل و گالیندو (۲۰۲۰) یعنی دو شاخص برای ایجاد متغیر پنهان با استفاده از نظارت جهانی کارآفرینی (GEM 2019) استفاده کردند. اولین شاخص برآوردهایی از بررسی جهانی جمعیت بزرگسالان در سطح فردی (GEM-APS) (۲۰۱۵-۲۰۱۹) که نگاهی بر ویژگی ها، انگیزه ها و آرزوهای افراد و همچنین دیدگاه اجتماعی نسبت به کارآفرینی دارد. در این مطالعه از تعدادی فعالیت های کارآفرینی که در وهله اول انگیزه اصلی آنها استفاده از فرصت ها می باشد به عنوان یک بخش فرصت محور (OE1) از مجموع فعالیت های کارآفرینی استفاده شده است (نظارت جهانی کارآفرینی (TEA 2020) , شاخص دوم مربوط به کارآفرینان بهبود- فرصت محور (OE2) می باشد. (آمورس و بوسما ۲۰۱۵) که بعنوان کارآفرینان نوپا شناخته می شوند .

متغیرهای پنهان	شاخص ها
توسعه پایدار	<p>HD شاخص توسعه انسانی [داده های توسعه انسانی (www.hdr.undp.org)] سرانه تولید ناخالص داخلی ، بر اساس تساوی قدرت خرید (PPS) [شاخص های توسعه جهانی] GPD PC</p>
کارآفرینی	<p>OE1 فرصت محور (% از مجموع فعالیت کارآفرینی) (TEA) نظارت جهانی کارآفرینی (GEM) OE2 کارآفرین نوپا فرصت- بهبود محور [نظارت جهانی کارآفرینی] (GEM)</p>
کارآفرینی اجتماعی	<p>SE1 مشارکت در فعالیت کارآفرینی اجتماعی در حال گسترش و عملیاتی [APS- Global Data] SE2 مشارکت در فعالیت کارآفرینی اجتماعی- عملیاتی با هدف اجتماعی APS-Global Data</p>
نوآوری ها	<p>TPPC مجموع حق اختراع به ازای هر سرمایه [پایگاه آماری ثبت اختراعات جهانی]</p>
موسسه ها	<p>EI شاخص آزادی اقتصادی شاخص آزادی اقتصادی - بنیاد هریتیج RL حاکمیت قانون داده های بانک جهانی RQ کیفیت نظارتی [کاتالوگ داده های بانک جهانی]</p>

جدول 1. تعریف متغیرها

متغیر کارآفرینی اجتماعی در نظارت جهانی کارآفرینی بعنوان یکی از انواع فعالیت ها، سازمان ها یا نوآوری هایی که بطور ویژه اهداف اجتماعی، محیطی و یا جامعه ای دارند تعریف شده است. این جنبه ها با تمرکز بر ماهیت اجتماعی و ارزش سازی جدید هر نوع سرمایه گذاری را پوشش میدهند. کارآفرینی اجتماعی را به عنوان یک فرآیند ارزش سازی اجتماعی نیز می توان تعریف کرد که در آن منابع به روش های جدیدی برآورده ساختن نیازهای اجتماعی، انگیزه بخشیدن به تغییرات اجتماعی یا ایجاد سازمان های جدید با یکدیگر ترکیب می شوند (میر و مارتی ۲۰۰۶).



شکل ۱: مدل تخمین زده شده برای کشورهای مشارکت اقتصادی جامع منطقه ای

متغیر کارآفرینی بوسیله دو بخش اصلی از نظارت جهانی کارآفرینی اندازه گیری میشود. نخستین بخش کارآفرینی اجتماعی 1 (SE1)، که مجموعه 2 آیتم اصلی شامل فعالیت های در حال رشد کارآفرینی اجتماعی و فعالیت های عملیاتی کارآفرینی اجتماعی را نشان می دهد. دومی، کارآفرینی اجتماعی 2 (SE2) می باشد که اهداف عملیاتی اجتماعی و فعالیت های کارآفرینی را نشان می باشد. نوآوری به عنوان یک متغیر پنهان به وسیله یک شاخص که از پایگاه داده آماری سطح اختراع جهانی استفاده می کند (OCED 2020) و برگرفته

از اداره ثبت اختراع اروپا می باشد اندازه گرفته می شود (TPPC) که در جدول 1 با نماد TPPC نشان داده شده است (مجموع ثبت اختراع به ازای هر سرمایه).

جدول یک نشان می دهد که برای موسسات بعنوان یک متغیر پنهان دارای سه شاخص اصلی می باشد: نخستین شاخص، شاخص آزادی اقتصادی (۲۰۲۰) جمع آوری شده توسط بنیاد هریتج می باشد. شاخص آزادی اقتصادی (EI) یک شاخص ترکیبی و دسته بندی شده در مقیاس صفر تا صد، جمع آوری شده از بیش از ۲۰ معیار عملکرد فردی می باشد. دومین شاخص حاکمیت قانون (بانک داده های جهانی، حاکمیت قانون ۲۰۲۰) است که میزان اعتماد کارگران و پایبندی آنها به قوانین جامعه را نشان میدهد. این شاخص از بانک داده های جهانی جمع آوری شده است. آخرین شاخص کیفیت نظارتی (بانک داده های جهانی، کیفیت نظارت ۲۰۲۰) می باشد که برگرفته از بانک داده های جهانی (وندلینگ و همکاران ۲۰۲۰).

بارگذاری های تعاملی برای روایی همگرا: جدول 2

نماد	کار آفرینی	نوآوری	موسسات	کار آفرینی اجتماعی	توسعه پایدار
HD	0.620	0.549	0.669	0.343	0.899
GDP pc	0.532	0.435	0.534	0.579	0.873
OE1	0.828	0.229	0.433	0.203	0.354
OE2	0.891	0.627	0.609	0.229	0.449
SE1	0.332	0.103	0.236	0.718	0.389
SE2	0.227	0.212	0.273	0.903	0.519
TPPC	0.413	0.998	0.508	0.247	0.620
EI	0.516	0.442	0.931	0.449	0.583
RL	0.699	0.637	0.911	0.394	0.714
RQ	0.509	0.565	0.952	0.382	0.612

5. نتایج

هیر و ریشتر (۲۰۱۹) به توضیح نحوه گزارش نتایج مدل سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی پرداختند. (PLS-SEM) شکل گرافیکی SEM در شکل ۱ نشان داده شده است و مربوط به چارچوب نظری در بخش آخر می باشد که نشان دهنده ارتباط بین متغیرهای پنهان و نتایج تخمین می باشد .

بارهای عاملی در مدل های اندازه گیری انعکاسی می بایست بالای 0.70 باشد (هیر و همکاران 2019)، یعنی سطحی که 0.5 یا بیشتر واریانس شاخص قابل توضیح است. همانگونه که در شکل ۱ و جدول ۲ نشان داده شده است تمامی بارهای شاخص بالاتر از 0.70 شروع خوبی می باشد. همان گونه که به طور خلاصه مشاهده می شود، نتایج ارزیابی مدل اندازه گیری ، معیارهای ارزیابی مدل برآورده شدند و از ارزیابی قابلیت اطمینان و اعتبار ارائه شده در جدول 3 پشتیبانی می کند. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول 2 که نشان دهنده تمامی معیارهای برآورده شده مدل می باشد، قابلیت اطمینان و اعتبار مدل اندازه گیری که از قابلیت اطمینان ترکیبی درج شده در جدول 3 استفاده می کند .

بر اساس مطالعه انجام شده توسط جورسکوگ 1971 با توجه به تحلیلی عاملی همزمان در چندین جامعه آماری، همسانی درونی قابلیت اطمینان توسط قابلیت اطمینان ترکیبی اندازه گیری می شود. ضریب بالایی از همسانی درونی قابلیت اطمینان برای یک آزمون نشان دهنده این است که آیتم های آزمون از نظر محتوا بسیار

جدول 3: قابلیت اطمینان و اعتبار مدل اندازه گیری

	آلفا کرونباخ	rho_A	قابلیت اطمینان ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	ضریب تعیین
کارآفرینی	0.703	0.734	0.864	0.765	0.406
نوآوری	0.997	0.998	0.998	0.998	0.244
موسسات	0.916	0.905	0.961	0.813	0.212
کارآفرینی اجتماعی	0.667	0.731	0.878	0.761	0.383
توسعه پایدار	0.667	0.801	0.808	0.613	

شبیه به یکدیگر هستند (متجانس). مقادیر بالا معمولاً نشان دهنده میزان بالایی از قابلیت اطمینان می باشد (بارکلی، هیگینز چ تامپسون ۱۹۹۵).

یکی دیگر از روش های اندازه گیری قابلیت اطمینان درونی بین هر شاخص و ساختار مربوط به آن مقدار کرونباخ می باشد (دیامانتوپولوس، ریفلر و راس ۲۰۰۸). آلفای کرونباخ معیاری برای اندازه گیری همسانی درونی، یعنی میزان نزدیکی آیتم های یک گروه به یکدیگر، می باشد. عملاً آلفای کرونباخ یک آزمون آماری نمی باشد بلکه یک آزمون آلفای کرونباخ ضریب قابلیت اطمینان (همسانی) می باشد. آلفای کرونباخ نشان دهنده میزان انسجام درونی شاخص های تشکیل دهنده آنها می باشد. که مقادیر بیشتر از ۰.۷ نشان دهنده وجود انسجام درونی می باشد (هیر ۲۰۱۹). با توجه به روایی همگرا (AVE) که نیاز به مقداری بالاتر از ۰.۵ دارد، بارگذاری عامل استاندارد تمامی موارد کمتر از ۰.۵ و قابلیت اطمینان ترکیبی کمتر از ۰.۷ نیست. به عبارتی دیگر هر مقدار AVE بیشتر از ۰.۵ بعنوان یک معیار معتبر پذیرفته می شود (فورنل و لارکر ۱۹۸۱)

در حالیکه ضرایب R^2 مرتبط با رگرسیون متغیر پنهان تنها می توانند متغیرهای داخلی را اندازه بگیرند (ساختار های درون زا)، شاخص های R^2 نشان می دهد که واریانس داده ها تا چه اندازه توسط مدل قابل توضیح است. $R^2=0.90$ بدین معناست که ۰.۱۰ واریانس توسط مدل قابل توضیح نمی باشد. در حالت منطقی هنگامی که $R^2=1$ می باشد مدل کاملاً مناسب و تمامی واریانس ها را توضیح می دهد. همانگونه که توسط هیر و همکاران (۲۰۱۶) و فرانک و میلر (۱۹۹۲) بیان شده است، اگر مقدار R^2 بیشتر از ۰.۲ باشد در مطالعات اکتشافی رشته علوم اجتماعی پذیرفته می باشد.

با بررسی قابلیت اطمینان و اعتبار ذکر شده در جدول مشاهده می شود که واریانس استخراج شده (AVE) بیشتر از ۰.۷۶۱ می باشد (تمامی متغیرهای پنهان بیشتر از ۰.۵ می باشد). علاوه بر این در همان جدول قابلیت اطمینان ترکیبی برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰.۸ می باشد (تمامی متغیرها بیشتر از ۰.۷ می باشند). همانگونه که قبلاً گفته شد با توجه به ضرایب R^2 ، تمامی این ضرایب بیشتر از ۰.۲ هستند که از نظر آماری پذیرفته شده می باشد. هنگام آزمایش ارتباطات بین متغیرها در مطالعات اکتشافی معمولاً یک میزان معنی دار ۱۰ درصد استفاده می شود (هیر و همکاران ۲۰۱۶). با این حال استفاده از یک سطح ۵ درصدی معنا دار در دیگر زمینه ها توسط اکثر محققان شناخته شده است. هنگامی که آهنگ محققان در آزمودن ارتباط ها دقت بسیار بالایی به خرج می دهند سطح ۱ درصدی معنادار استفاده می کنند.

جدول ۴ تاثیرات مستقیم بین تمامی متغیرهای پنهان را ارائه می کند. علاوه بر تاثیرات مستقیم نشان داده شده در شکل ۱، لیم، اوه و دکلرک (۲۰۱۶) به آزمایش مشارکت در کارآفرینی در اقصادهای پیدا شده از طریق تاثیرات تعاملی عوامل در سطح فردی و شرایط سازمانی نیز پرداختند. با در نظر گرفتن تاثیرات مستقیم

کارآفرینی بر توسعه پایدار در جدول ۴، مشاهده می شود که تاثیر مستقیم کارآفرینی سنتی (0/167) می باشد اما تاثیر غیرمستقیم کارآفرینی اجتماعی (0/049) می باشد. بدین معنی که تاثیرات کارآفرینی سنتی بر توسعه پایدار بیشتر از تاثیرات کارآفرینی اجتماعی می باشد.

در نتیجه مطابق شکل 1، بین کارآفرینی (سنتی) و کارآفرینی اجتماعی با موسسات ارتباط مثبت (معنی دار با p کمتر از 0.1) وجود دارد. بدیهی است که تأثیر موسسات بر فعالیت های کارآفرینی سنتی (0/623) بیش از تأثیرات بر کارآفرینی اجتماعی می باشد (0/453).

جدول 4. تاثیرات غیر مستقیم بین متغیرهای پنهان

	نوآوری	توسعه پایدار
کارآفرینی		0.167
موسسات	0.287	0.383
کارآفرینی اجتماعی		0.049

جدول 5. تاثیرات غیر مستقیم ویژه بین متغیرهای پنهان

تاثیرات غیر مستقیم ویژه	
نهادها → کارآفرینی → نوآوری	0.214
نهادها → کارآفرینی اجتماعی → نوآوری	0.101
نهادها ← کارآفرینی ← توسعه پایدار	0.141
کارآفرینی → نوآوری → توسعه پایدار	0.198
نهادها → کارآفرینی → نوآوری → توسعه پایدار	0.075
کارآفرینی اجتماعی ← نوآوری ← توسعه پایدار	0.117
نهادها → کارآفرینی اجتماعی → نوآوری → توسعه پایدار	0.108
نهادها → کارآفرینی اجتماعی → نوآوری → توسعه پایدار	0.195

علاوه بر این جدول های 4 و 5 برخی تاثیرات غیر مستقیم بر سایر متغیرهای پنهان را ارائه می کنند. متغیر موسسه تأثیر غیرمستقیم مثبتی بر نوآوری دارد (0/287). این تاثیر باعث افزایش توسعه پایدار می شود. این نتیجه توسط بوردوکس، نیکولاو و کلین (2019) تایید می شود که بر ویژگی های شناختی-اجتماعی و کارآفرینی و نقش تعدیل کننده موسسه های اقتصادی تمرکز کردند. این نتیجه یافته های روئلتو در زمینه موسساتی و اقتصادی کارآفرینی را تایید می کند: یک دیدگاه بین المللی از (سیمون-مویا، روئلتو-تابودا و گوئرو 2014).

به همین ترتیب همانطور که در جدول 5 مشاهده می شود، از حداقل مربعات جزئی نیز می توان برای محاسبه تأثیرات غیرمستقیم خاصی استفاده شود. بنابراین، کارآفرینی با ضریب 0.198 از طریق متغیر نوآوری بر توسعه پایدار تأثیری مثبت دارد. علاوه بر این، کارآفرینی اجتماعی با ضریب 0.117 از طریق نوآوری بر توسعه پایدار تأثیر می گذارد.

با بررسی تأثیرات کارآفرینی بر نوآوری، بارقه، رولی و سامبروک (2009) مشاهده کردند که کارآفرینی دارای ضریب های مثبت و معنادار با نوآوری می باشد. برعکس، کارآفرینی اجتماعی دارای ضریب های پایین تری نسبت به نوع دیگری از کارآفرینی برای نوآوری می باشد.

برای نتایج علیت دوطرفه، شکل 2 نشان دهنده ی نتایج بین متغیرهای پنهان (توسعه پایدار و موسسه ها) می باشد. مانند مدل اول، در مدل های اندازه گیری انعکاسی بارهای عاملی می بایست بالاتر از 0.70 باشد (هیر و همکاران 2019). همانگونه که شکل 2 و جدول 6 مشاهده می شود، تمامی بارهای شاخص بالاتر از 0.70 هستند و تأثیر کمتری بر کارآفرینی اجتماعی دارند (0.773). شاخص SE1 نشان دهنده ی مشارکت در فعالیت کارآفرینی اجتماعی در حال گسترش و عملیاتی می باشد. در مجموع، نتایج ارزیابی مدل اندازه گیری انعکاسی نشان می دهد که تمام معیارهای ارزیابی مدل برآورده شده اند و همانطور که در جدول 7 نشان داده شده است، و ارزیابی های قابلیت اطمینان و اعتبار نیز تایید شده اند.

همانطور که قبلا به آن اشاره شد و با توجه به جدول 7، اگر قابلیت اطمینان ترکیبی (AVE) کمتر از 0.7 نباشد، از نظر آماری نتایج پذیرفته می شوند. مشاهده می شود که واریانس استخراج شده (AVE) بیشتر از 0.70 و مقدار R2 بالاتر از 0.2 است (فورنل و لارکر 1981).

جدول 6 / علیت دو طرفه

نماد	کار آفرینی	موسسات	کار آفرین، اجتماعی	توسعه پایدار
HD	0.413	0.699	0.334	0.801
GDP pc	0.354	0.476	0.669	0.891
OE1	0.788	0.446	0.231	0.445
OE2	0.838	0.601	0.287	0.477
SE1	0.298	0.297	0.773	0.383
SE2	0.253	0.398	0.933	0.604
EI	0.598	0.864	0.478	0.616
RL	0.578	0.889	0.399	0.607
RQ	0.614	0.902	0.376	0.597

جدول 7 / قابلیت اطمینان و اعتبار مدل های علیت دوطرفه اندازه گیری: جدول 7

	آلفای کرونباخ	rho_A	قابلیت اطمینان ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	ضریب تعیین
کار آفرینی	0.703	0.706	0.843	0.761	0.304
موسسات	0.916	0.905	0.933	0.813	0.576
کار آفرینی اجتماعی	0.667	0.603	0.849	0.706	0.229
توسعه پایدار	0.768	0.804	0.803	0.693	

نتایج علیت دوطرفه در شکل 2 و جدول 7 نشان می دهند که علیت دوطرفه مثبت بین توسعه پایدار و کارآفرینی (اعم از سنتی و اجتماعی) وجود دارد که با p کمتر از 1٪ معنی دار است. علاوه بر این در این مدل، محققان پی بردند که ضریب کارآفرینی سنتی بالاتر از کارآفرینی اجتماعی است.

6. بحث و نتیجه گیری

مقاله ما نقش بسزایی در ادبیات دارد. این مقاله عمدتاً با استفاده از یک تحلیل تجربی در خصوص 15 کشور (RCEP) به آزمایش ارتباط بین کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار از دیدگاه رشد اقتصادی می پردازد. این مقاله با توجه به این مسئله که بیش از 29 درصد از ارزش تولید ناخالص داخلی سرانه متعلق به کشورهای RCEP می باشد، شکل های مختلف کارآفرینی (اجتماعی و سنتی) را در مد نظر می گیرد.

همچنین با استفاده از دو بعد اصلی بمنظور بررسی سهم کارآفرینی اجتماعی در توسعه پایدار یک مدل اصلاح شده طراحی می کند: مشارکت در فعالیت کارآفرینی اجتماعی در حال گسترش و عملیاتی و مشارکت در فعالیت کارآفرینی اجتماعی با هدف اجتماعی-عملیاتی. علاوه بر این، این مطالعه بوسیله ترکیب ابعاد کارآفرینی اجتماعی، نوآوری ها و ابعاد سازمانی به عنوان متغیرهای پنهان برای حرکت به سمت توسعه پایدار مشارکت خود را عرضه میدارد.

با توجه به نتایج موجود در این مطالعه محققان پی بردند که طراحی فرایند های مناسب به منظور افزایش توسعه پایدار بسیار ضروری می باشد. از این لحاظ تعیین مهم ترین شاخص هایی که تاثیر مستقیم بر توسعه پایدار دارند مفید واقع خواهد شد. از آنجا که قبلاً نیز به آن اشاره شد تصمیم گیرندگان می بایست بر روی افزایش توسعه پایدار تمرکز کنند چراکه از دیدگاه مدرن توسعه پایدار بدون کاستن از اهمیت دیگر اهداف، به یکی از اهداف اصلی برای برآورده ساختن نیازهای فعلی تبدیل شده است. (رنینگ، آندریاس و توماس ۲۰۰۴).

این مطالعه با تمرکز بر دو عامل اصلی که در این مقاله مد نظر گرفته شده آغاز میشود: هر دو نوع کارآفرینی (اجتماعی و سنتی) و نوآوری هایی که به عنوان دومین عامل در نظر گرفته می شوند. با توجه به برآورد اولیه در خصوص ۱۵ کشوری که در RCEP مشارکت دارند، پس از در نظر گرفتن قابلیت اطمینان و اعتبار برای تمامی ارزیابی های استفاده شده در مدل این مطالعه ارتباط مثبتی بین کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار نشان داده می شود.

هنگامی که نوآوری ها به عنوان دومین عامل اصلی در نظر گرفته می شود، تخمین هایی برای پی بردن به تاثیر نوآوری ها بر توسعه پایدار نیز انجام شد. تخمین نوآوری ها توسط شاخص کلی حق اختراع به ازای هر سرمایه

انجام شد که از پایگاه داده آماری ثبت اختراع جهانی برای ۱۵ کشور ذکر شده در این مطالعه جمع‌آوری شده است که نشان می‌دهد ارتباط مثبتی بین نوآوری‌ها و توسعه پایدار وجود دارد. با توجه به متغیر موسسه، این مطالعه همچنین همچنین نشان می‌دهد که یک تأثیر غیرمستقیم مثبت بر نوآوری وجود دارد. این تأثیر باعث افزایش توسعه پایدار می‌شود. این نتیجه توسط بوردوکس، نیکولاو و کلین (۲۰۱۹) تایید می‌شود که بر ویژگی‌های شناختی- اجتماعی و کارآفرینی با توجه به نقش تعدیل کننده موسسه های اقتصادی تمرکز می‌کند.

در مطالعات اخیر کارآفرینهای اجتماعی بعنوان قهرمان و کارآفرینانی با انگیزه‌هایی به سود اجتماع به تصویر کشیده می‌شدند (فردریک و هوپرشتس ۲۰۱۴) اما اخیراً مطالعاتی برای دور شدن از تمرکز بر کارآفرین فردی در کارآفرینی اجتماعی انجام شده است. محققان در عوض بیشتر بر روی پویایی‌های تعاملی در کارآفرینی اجتماعی تمرکز دارند. دی بروین، شاو و لوییس (۲۰۱۷)، در آخرین نشریه‌ی خود ایده‌ای را مطرح کردند که با همکاری در کارآفرینی اجتماعی در هر دو سطح درون شرکت و از طریق سازمان‌ها ویرایش شد.

در مجموع این مطالعه به عنوان یکی از عوامل اصلی ترویج توسعه پایدار به عنوان جایگزینی برای رشد اقتصادی سنتی، توجه را معطوف کارآفرینی اجتماعی خواهد کرد. در نظر گرفتن فرایندهای مناسب برای افزایش توسعه پایدار به ویژه فرایندهایی که به طور مستقیم با کارآفرینی اجتماعی مرتبط هستند حائز اهمیت است. محققان برای افزایش توسعه پایدار برخی اقدامات را توصیه می‌کنند. برای دستیابی به هدف اصلی توسعه پایدار، مزیت‌های مالیاتی را میتوان به منظور ترغیب دسته‌ای از کارآفرینان برای ایجاد پروژه‌های مفید تر معرفی کرد. بدین ترتیب تامین مالی به روشی بهتر با حمایتی بیشتر از رشد اقتصادی انجام می‌شود. این اقدام می‌تواند دسترسی آنها را به منابع بالقوه وجوه مالی مانند بانک‌ها، موسسات مالی و دولتی آسانتر سازد و این امکان را به آنها می‌دهد که به این وجوه مالی به صورت قرض یا مشارکت دسترسی پیدا کنند. دومین دیدگاه مهم در رابطه با کارآفرینان ابعاد بازار و تمامی اطلاعات مربوط به این ابعاد می‌باشد. در کل نه تنها بازار محلی برای کارآفرینان حائز اهمیت است بلکه تمرکز بر توسعه پایدار نیز میتواند نقش کارآفرینان را به عنوان وسیله‌ای برای شرکتهای کوچک و متوسط (SMEs) برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی ارتقا دهد. سومین جنبه مهم در خصوص کارآفرینان تنظیمات و ترتیبات سازمانی می‌باشد و برای تسهیل ترتیبات سازمانی نیز مفید خواهد بود. دولت‌ها برای حمایت از هدف اصلی توسعه پایدار، ممکن است باعث ترویج و گسترش شرکت‌های نوآوری کوچک و متوسط در اقتصاد جهانی شود.

7. محدودیت های تحقیق و جهت گیری تحقیق های آتی

به منظور انجام مطالعات مورد انتظار در آینده پیشنهاد میکنیم که برای درک بهتر از چگونگی تاثیر گذاری کارآفرینی اجتماعی، نوآوری ها و ابعاد سازمانی بر توسعه پایدار برای ایجاد، ارائه و دستیابی به ارزش ها، فرصت های جالب توجهی برای انجام تحقیقات بیشتر در آینده وجود دارند. توسعه پایدار از آنجا که دارای منطق و اهداف متعدد و گاهی رقابتی می باشد یک فرایند ترکیبی است. در تحقیقات بعدی محققان را به بررسی چگونگی مقابله با استراتژی ها در ابعاد توسعه پایدار به ویژه کارآفرینی اجتماعی ترغیب می کنیم، اما می بایست در نظر داشت که کارآفرینی اجتماعی دارای یک مأموریت دوگانه از جمله ارزش آفرینی اجتماعی و اقتصادی می باشد. با وجود آنکه کارآفرینی اجتماعی بعنوان مکانیزمی قدرتمند برای کاهش فقر و ایجاد تغییرات سازمانی معرفی شده است (صائبی، فاس و لیندر ۲۰۱۹)، ادبیات به هیچ گونه مدرک محکم و در طولانی مدت برای اثبات این ادعا دست پیدا نکرده است.

همانطور که قبلاً گفته شده است در خصوص کارآفرینی اجتماعی ارزیابی های انجام شده برای تاثیرات اجتماعی بسیار اندک هستند و مطالعات معمولاً پدیده های بسیار ناهمگن را در سایه ی مفاهیم کارآفرینی اجتماعی بررسی می کنند. در این خصوص بیشتر مطالعات معمولاً بصورت همزمان با یک سطح از تجزیه و تحلیل درگیر هستند. با این حال کارآفرینی اجتماعی دارای سطوح متعددی از پدیده ها می باشد و انجام مطالعاتی تنها در یک سطح ممکن است نتیجه هر تحقیق اکتشافی را به خطر بیندازد که منجر به دشواری هایی در درک نتایج مطالعات کارآفرینی اجتماعی می شود.

8. مراجع

- Amorós, J. E., and N. Bosma. 2015. "Specifics of the Entrepreneurial Activities of Slovaks: Evidences Based on GEM Research." *Procedia Economics and Finance* 34: 368–375. doi:https://doi.org/10.1016/S22125671(15)016
- Audretsch, D. B. 2005. "The Knowledge Spillover Theory of Entrepreneurship and Economic Growth", the Emergence of Entrepreneurial Economics (Research on Technological Innovation, Management and Policy, Vol. 9). Bingley: Emerald Group Publishing Limited, pp. 37–54. doi:https://doi.org/10.1016/S0737-1071(05)09003-7.
- Barclay, D., C. Higgins, and R. Thompson. 1995. "The Partial Least Squares (PLS) Approach to Causal Modeling: Personal Computer Adoption and Use as an Illustration." *Technology Studies, Special Issue on Research Method- Ology* 2 (2): 285–309.
- Baregheh, A., J. Rowley, and S. Sambrook. 2009. "Towards a Multidisciplinary Definition of Innovation." *Management Decision* 47 (8): 1323–1339. doi:https://doi.org/10.1108/002517409109845
- Ben Youssef, A., S. Boubaker, and A. Omri. 2018. "Entrepreneurship and Sustainability: The Need for Innovative and Institutional Solutions." *Technological Forecasting and Social Change* 129: 232–241.
- RCEP; the Regional Comprehensive Economic Partnership, the ASEAN Secretariat, Address: Jalan Sisingamangaraja, 70A, RT.2/RW.1, Selong, Kec. Kby. Baru, Kota Jakarta Selatan, Daerah Khusus Ibukota Jakarta 12110
- United Nations Development Programme, Human Development Data Center, Human Development Index (HDI). Accessed 2020. <http://hdr.undp.org/en/content/human-development-index-hdi>.
- Abramovitz, M. 1986. "Catching Up, Forging Ahead, and Falling Behind." *The Journal of Economic History* 46 (2): 385–406. Accessed January 2. <http://www.jstor.org/stable/2122171>.
- Acs, Z., M. Boardman, and C. McNeely. 2013. "The Social Value of Productive Entrepreneurship." *Small Business Economics* 40 (3): 785–796. Accessed January 2 2021. <http://www.jstor.org/stable/23360623>.
- Ambec, S., and P. Lanoie. 2008. "Does it Pay to be Green? A Systematic Overview." *Academy of Management Perspectives* 22: 45–62. doi:https://doi.org/10.5465/amp.2008.35590353.

